

راه توده

شهریه مالداران و غیر مالداران در طرح از کشور

جمعه ۲۰ دی ۱۳۱۲ مطابق
۲۰ ژانویه ۱۹۸۴
سال دوم، شماره ۷۶
پهلو ۴۰ : ۱۰۰

راه حل‌های بحران زابرای رفع بحران

• راه سرمایه‌داری در کشورهای استعمارزده، راه فرورفتن در با تعلق بحران تعمیق یابنده اجتماعی - اقتصادی و سیاسی

اتخاذ سمگیری سرمایه‌داری از سوی حکام ج ۱۰ در میهن ما، همچنان که حزب توده ایران پیش‌بینی کرده بود، بگونه‌ای اجتناب‌ناپذیر به نوسازی پرشتاب نظام سرمایه‌داری وابسته انجامیده است و دولت بی‌ثبات ج ۱۰ را در محاصره مشکلات پایان‌ناپذیر اجتماعی - اقتصادی قرار داده است.

در شرایطی که فشار و ارباب‌دم افزون ارتجاع حاکم (که از مدتها پیش راه هرگونه تصمیم‌گیری و قانونگذاری مرفقی را سد کرده است) و حتی سخن‌گفتن از راه حل‌های ترقی‌خواهانه مشکلات را ممنوع کرده است، مدافعان د و آتش‌احیاء سرمایه‌داری وابسته، میدان را برای یکه‌تازی پیش‌از پیش مناسب می‌بینند.

کسانی که با رهبری و شرکت در توطئه مسخ انقلاب و تحمیل راه رشد سرمایه‌داری وابسته، خود مسبب اصلی پیدایش وضع کنونی هستند، امروز برای فریب مردم و پیشروی بیشتر در راه به شکست‌کشاندن همه جانبه انقلاب، از مشکلات خود ساخته انتقاد می‌کنند و برای حل آنها انواع رهنمودها و راه‌حل‌های "آریامهر آژوده" را در بسته‌بندی‌های شرعی ساخته‌اند.

بقیه در صفحه ۵

تحصن در کارخانه د خانیات تهران

• ارتجاع حاکم هرگونه اعتراض را با سرکوب و بازداشت پاسخ می‌دهد!

روح قطب زاده در کالبد آقای رفسنجانی

به خاکستر باقیمانده از حریق تاریخ استفاده کنیم.

چنانکه روشن است، ارتجاع امپریالیستی، همه نیروهای ارتجاعی جهان را به اتحاد حول کاریایه سیاسی "کمونیسم ستیزی" و "شوروی ستیزی" فرا خوانده است.

به گواهی تاریخ، در انقلاب‌های رهائی - بخش‌ملی نیز این شعار امپریالیستی، همواره محور اتحاد همه نیروهای ارتجاعی بوده است.

امروز که یورش همه جانبه به جنبش‌های رهائی - بخش‌ملی، یکی از آماج‌های عمده امپریالیسم جهانی را تشکیل می‌دهد، این توطئه کپک‌زده

بقیه در صفحه ۱۳

جنگ صلیبی‌ها در تاریخ امپریالیسم به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، برای تضعیف مواضع سوسیالیسم، جنبش کارگری در کشورهای سرمایه‌داری و سرکوب جنبش‌های رهائی بخش‌ملی بسا شدت هر چه تمام‌تر ادامه دارد.

تشدید بحران اجتماعی - اقتصادی و سیاسی و ایدئولوژیک امپریالیسم جهانی و نزدیکی مرگ تاریخی محتوم آن، درنده‌ترین جناح‌های امپریالیستی را به شدیدترین واکنش‌ها در برابر روند تکامل تاریخ واداشته است.

ریگان رئیس‌جمهور آمریکا در سخنرانی در پارلمان انگلستان از جمله گفت: "بیایید تردید به خود راه ندهیم، بیایید از قدرت خود برای تبدیلی مارکسیسم - لنینیسم

دروغگویان با "فضیلت"

ادامه کار دادگاه‌ها نشان می‌دهد که "متهمان" تنها به جرم عضویت در حزب توده ایران، مراقبت از انقلاب، افشای ضد انقلاب و کشف توطئه کودتاها، امپریالیستی تحت‌تیرگی و شکنجه قرار گرفته‌اند.

آخرین پرده نمایش "سبا" ساخته و ساواک پرده‌های کهنون "محاکمه اعضای سازمان مخفی حزب توده" را بر خود دارد، به پایان رسید.

جلادان ج ۱۰ در برابر موج اعتراضات بین‌المللی علیه غیرقانونی بودن دادگاه‌های در بسته، عدم حضور وکلای مدافع، نقی بدیهی - ترین اصول دادرسی و عدم حضور خبرنگاران خارجی، به اقدام نمایشی رسوائی دست‌یازیدند و به تعدادی خبرنگار خارجی اجازه دادند در آخرین جلسه این پیدادگاه‌ها شرکت کنند.

وضع جسمی متهمان که برخی از آنان به زحمت می‌توانستند صحبت کنند، افشاگر جنایاتی است که جلادان بی‌آزم علیه قربانیان خود روا داشته و می‌دارند.

این اقدام نمایشی رژیم نیز همانند تمام تظلم‌های آنان در این زمینه، نتوانست بر این واقعیت حجاب بکشد که به رغم کارزار تبلیغاتی رژیم بخیله شب‌بازی غیرقانونی و مفتضح "محاکمه اعضای سازمان مخفی حزب توده" بر هیچ دلیل و مدرکی استوار نیست و "متهمین" زجر شکنجه‌های وحشیانه به "اقرار" مجبور شده‌اند.

پس از یورش سبعانه به حزب توده ایران و بازداشت اعضا و فعالین آن به اتهام بی‌اساس "جاسوسی" و "شرکت در توطئه پرازدازی"، هاشمی رفسنجانی، امام جمعه موقت تهران، در

بقیه در صفحه ۲

تحولات طبقاتی در جامعه ایران در انقلاب بهمن

صفحه ۸

احزاب سازمانها و محافل دمکراتیک و مرفقی سراسر جهان: دادگاه‌های افسران آزادیخواه و توده‌ای‌های دربند، باید بر اساس موازین حقوق بین‌المللی، با حضور وکلای معتبر جهانی و خبرنگاران خارجی تشکیل شود.

کارزار گسترده ضد توده‌ای و شوروی ستیزانه‌ای که پس از سرکوب خونین حزب توده ایران به سیاست رسمی حاکمیت ج ۱۰ بدل شده است، با برپائی پیدادگاه‌های نظامی در بسته، که در آن قضای و دادستان نقش واحدی را

بقیه در صفحه ۳

پایدار باد همبستگی گسترده با زندانیان توده‌ای!

دروغگویان با "فضیلت"!

ارتجاع حاکم چوب دست سیاست امپریالیستی

در حقیقت برگزاری این بیدادگاه ها ، گوشه‌ای از جنگ صلیبی امپریالیسم ، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا است ، که به دست ارتجاع چهار حاکم شده بر میهن ما ، علیه نیروهای صلح و ترقی اجتماعی اجرا می‌شود و یک بار دیگر رژیم حکم را که ارتجاع حاکم بر میهن ما ، همانند رژیم شاه به چوب دست سیاست امپریالیستی بدل شده است ، به اثبات می‌رساند .

صحنه سازی " دادرسی " از لحاظ خصلت خود نیز در حکم نقی آشکار موازین حقوقی بین المللی و همچنین مفاد قانون اساسی ج ۱۰۱۰ است .

" اقراریه " ی که تحت شکنجه‌های ددمشانه جسمی و روحی اخذ شده (و آثار آن به گزارش خبرگزاری فرانس پرس در این آخرین جلسه بیدادگاه نیز به عیان دیده می‌شد) از لحاظ حقوقی نمی‌تواند دلیل بر گناهکاری آنها باشد . اصل ۳۸ قانون اساسی تصریح می‌کند :

" هر گونه شکنجه برای گرفتن اقرار یا کسب اطلاع ممنوع است . اجبار شخص به شهادت ، اقرار یا سوگند مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است . "

ولی آنچه که در این دادگاه‌های فرمایشی " ارزش " و " اعتبار " دارد و پایه اصلی کیفر - خواست دادستان را تشکیل می‌دهند ، " اقراریه " و شهادت های کسب شده با شکنجه های وحشیانه تحت عنوان " تخریر اسلامی " است .

عوامل اجرائی قوه به اصطلاح مستقل قضائیه نه تنها از رعایت ابتدائی ترین حقوق متهمین سر - باز می‌زنند و بر هشدارها و اعتراضات و اعلام آمادگی نمایندگان سازمانها و جمعیت های دموکراتیک بین المللی و شخصیت های حقوقی و وکلای معتبر جهانی و خبرنگاران خارجی ، مبنی بر درخواست شرکت در دادگاه ها چشم فرو می - بندند ، بلکه به ظاهر برگزاری دادگاه ها نیز بی توجهند . متهم و " مطلع " متهم را روی یک نیمکت در کنار هم می‌نشانند و رئیس دادگاه و دادستان هم به تناوب ، با حفظ سمت ! وظیفه آن دیگری را به عهده می‌گیرند .

قطعنامه پنجم هجد هم کمیته مرکزی حزب توده ایران به درستی خاطر نشان می‌کند :

" بیورش سیهانه رژیم به حزب توده ایران ، زندانی کردن هزاران نفر از اعضاء آن و غیره - قانونی اعلام نمودن فعالیت حزب ، کوچک ترین ارتباطی با اتهامات سخیف ساخته و پرداخته ارگانهای اطلاعاتی رژیم نداشته و ندارد . یگانه علت را باید در حقانیت و اصالت جهان بینسی حزب ما ، در جذابیت آن ، در باور روز افزون زحمتکشان و روشنفکران میهن دوست به نظرات ، همپیشنهادات و برنامه های علمی و علمی ارائه شده از جانب حزب توده ، ایران پیکوای کرد . "

جرم عضویت در حزب توده ایران ، مراقبیت از انقلاب ، افشای ضد انقلاب و کشف توطئه کودتا های امپریالیستی تحت پیگرد و شکنجه قرار گرفتند . موارد اتهام اکثر " متهمین " ، عضویت در حزب ، شرکت در حوزه حزبی و پرداخت حق عضویت اقامه گردیده است .

بی‌علت نیست که مردم میهن ما هر روز بیشتر سوال می‌کنند : پس کجا باید دلایل " جاسوسی " مدافعان استقلال ، آزادی و عدالت اجتماعی ؟

سرود مردمی

ای جوان سرودم بر خیز
از زل و دست انگیز
در زمین و زمان بی‌زمانی است
خلق می‌شکندت وقت باری نیست !
گاه جنگه است
وقت تنگه است
هر چه انقلاب به جنگه است
دم نظم آخرین استهسته است
لحظه آخرین است بشکندت !
هر درنگی در این لحظه تنگ است
ما بیهم نظر دل و یک زبانیم
از تار هم و ریج و کوشش
از لبی فاش این جهانیم
ما به پیروزه و امید و شکست
توده را ازینم می‌رهانیم !
دستکام کسیر
بار من باش
این سرود میانی است
هموطنین دهم وطنی منم باش
دست در مشت
بای هر راه
قلبه در مشت
جمله هم می‌باید و بار و هم می‌باید
خیل سرمایه را بر زمینیم
توده را راه توده را می‌رهانیم
هر چه صلح پاینده ای را
هر بیست وطن می‌کندیم !
سازگاری کسیر
سرود مردمی

بقیه از صفحه ۱
حالی که از تریبون نماز جمعه " درس " فضیلت و تقوا می‌داد ، چشم در چشم نمازگزاران به آنها دروغ گفت و اعلام کرد :

" . . . در تکذیب اتهامات عجله نکنند . ما مدارک غیر قابل انکار در دست داریم . " اما امروز حتی گزارش های تحریف شده و مغرضانه مطبوعات مجاز کشور به روشنی نشان می‌دهد که هیچ دلیل و مدرکی در اثبات ادعا های مقامات قضائی ج ۱۰۱۰ اقامه نشده و آنچه را که این مدعیان فضیلت و معنویت در بوقهای تبلیغاتی خود می‌دمند ، جز دروغی شرم آور بسه منظور حوایب کرد ، " امت " نیست .

در عین حال این گزارشات سانسور شده که دور از چشم و گیش افکار عمومی جهان و ایران و بدون حضور خبرنگاران خارجی و داخلی تنظیم و از طریق " نوار " به روزنامه های مجاز ایران برای چاپ داده می‌شود ، آشکارا سستسی استد لالاه و پوچی اتهاماتی که مقامات قوه قضائیه ج ۱۰۱ علیه اعضای حزب توده ، ایران مطرح می‌کنند ، بر ملا می‌سازد : کلیه " متهمان " ، این ادعای فسد - جویانه را که گویا اطلاعاتی در اختیار بیگانگان قرار می‌دادند و در توطئه براندازی شرکت داشتند ، رد کردند . آنان علی‌رغم جو تهسید و ارباب حاکم بر فضای بیدادگاه - جوی که در آخرین جلسه نیز حاکم بود - بهصراحت اعلام کردند که " در رژیم گذشته با پوست و گوشت و استخوان خود فساد ، ظلم ، جور و محرومیت را در جامعه ایران احساس " می‌کردند (صبح آزادگان ۱۷ آذر ۶۲) و دولت موقت لیبرال را در هدایت " سکان کشتی مردمی که انقلاب کرد ماند و پا برهنه های جنوب شهر هستند به ساحل نجات " ناتوان می‌دیدند " (صبح آزادگان ، ۲۱ آذر ۶۲) .

این میهن دوستان در پشت درهای بسته " بیدادگاهها و اسیر دست سیه دلانی به نام " دادستان " و " قاضی " اعلام کردند که به علت موافقت با برنامه حزب توده " ایران و به انگیزه عدالت خواهی ، عشق به مردم محروم و رنج کشیده و حل معضلات اقتصادی و اجتماعی میهن ما به صفوف حزب توده " ایران پیوستند و در واقع به همین " اتهام " نیز به پای میز محاکمه کشیده می‌شوند .

محمد بری شهری ، حاکم شرع و رئیس دادگاه های انقلاب اسلامی ارتش ، قبل از رسمیت یافتن اولین جلسه دادگاه اظهار داشت :

" ما اعضای یک حزب را محاکمه نمی‌کنیم ، بلکه عدای جاسوس را محاکمه می‌کنیم " (صبح آزادگان ، ۱۶ آذر ۶۲) .

او نیز دانسته دروغ می‌گوید . ادامه کار دادگاه ها نشان داد که " متهمان " تنها به

مرگ بر امپریالیسم جهانخوار آمریکا ، دشمن اصلی خلق های ایران و جهان

احزاب، سازمانها و محافل دمکراتیک و مترقی سراسر جهان: دادگاههای افسران آزاد یخواه و توده‌ای‌های دربند، باید بر اساس موازین حقوق بین‌المللی، با حضور وکلای معتبر جهانی و خبرنگاران خارجی تشکیل شود

اخبار مربوط به محاکمه افسران آزاد یخواه و فعالین حزب توده ایران مورد بررسی قرار گرفته است .

مقاله، سپس از فعالیت محافل دمکراتیک و دنامارک در زمینه همبستگی با زندانیان و خواستههایی که این محافل در رابطه با مراعات موازین حقوق بشر درباره آنان مطرح نمودند، گزارش ارائه کرده و از جمله به این مطلب اشاره کرده است که اعزام هیأتی بین‌المللی مرکب از پزشکان و حقوقدانان، جهت بررسی وضع زندانیان تا کنون از طرف مقامات مسئول چ ۱۰۰، بلا جواب مانده است .

● یکی از اتحادیه‌های معتبر کارگران چاپ و روزنامه نگاران دنامارک، طی ارسال نامه‌ای به سفارت چ ۱۰۱۰ در این کشور، نسبت به تشکیل دادگاه‌های نظامی علیه میهن دوستان و عدم رعایت حقوق قانونی متهمان، شدیداً اعتراض کرده، قطع فوری محاکمات و برگزاری جلسات علنی با شرکت ناظران بین‌المللی را جهت افشای حقایق خواستار گردیده است .

آمریکا

موج اعتراض علیه تشکیل دادگاه‌های در بسته نظامی برای افسران میهن دوستان و اعضای حزب

توده ایران، در شمال کالیفرنیا، همچون سایر نقاط جهان، بالا گرفته است . طی هفته‌های اخیر، بیش از یک صد تن از شخصیت‌های دمکرات و سازمانهای مترقی این ایالت، طی مخابره تلگرامهای متعدد به مقامات حکومتی چ ۱۰۱۰، بر پائی این بیدادگاهها را محکوم کرده، دولت ایران را به رعایت حقوق قانونی متهمان موظف دانسته و بر امر اعزام هیأتی

سوسیالیستهای دنامارک همچنین اضافه کرد ماند، برای تعمیق انقلاب ایران اتحاد کلیه نیروهای صدامریالیست نیاز مبرم جنبش است و کارزاری که علیه کمونیستهای این کشور به راه افتاده، خطر شکست انقلاب را در بر دارد .

● در صفحه اول شماره ۱۴ دسامبر (۲۳۰)

بقیه از صفحه ۱ بازی می‌کنند و کیفرخواست تنظیم شده علیه " متهمین " بر اساس پرونده‌های سیا ساخته و ساواجا پرداخته، برپایه هیچ سند و مدرکی استوار نیست، به اوج خود رسیده است .

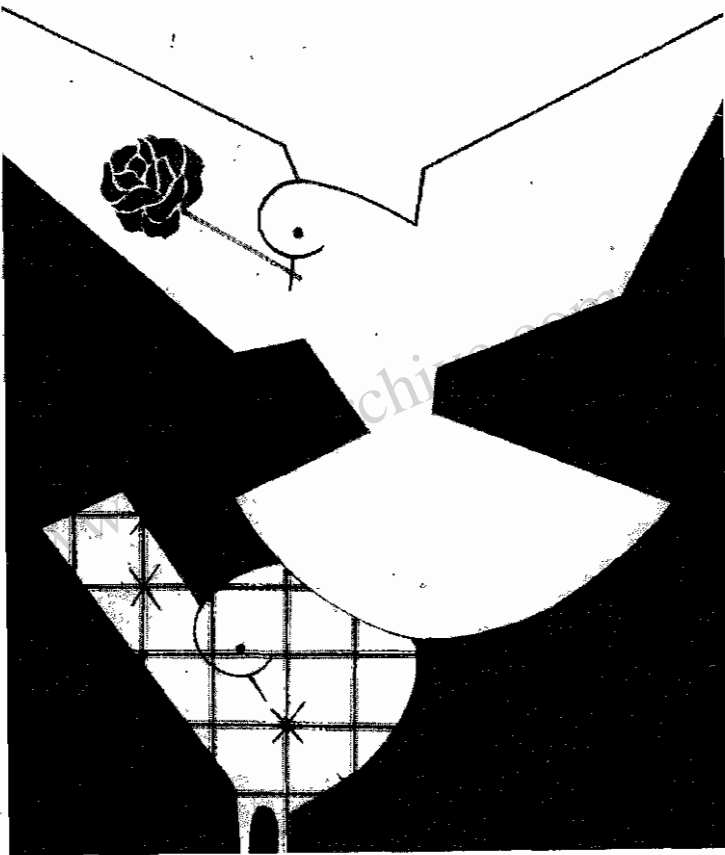
ادامه این نمایش شوم و وهن آور که شادی دشمنان و اعتراض دوستان مردم و انقلاب آنان را برانگیخته، هر روز خشم و نفرت بیشتر مردم انقلابی ما و جهانیان مترقی را دامن می‌زند . آنان گزارشات مخدوش، سانسور شده و فرمایشی مربوط به این بیدادگاهها را، در پی یافتن سند و مدرکی دال بر اثبات اتهامات واهی و بی‌اساس که صحنه گردانان سیاست چ ۱۰ علیه " متهمین " اقامه کرده‌اند، دنبال می‌کنند و از آن‌ها کمترین اثری نمی‌یابند .

از همین روست که دامنه اعتراضات خود را گسترش می‌بخشند و هر بار قاطع‌تر از پیش برخواست اعزام هیأتی مرکب از پزشکان، حقوق دانان و وکلای بین‌المللی و خبرنگاران خارجی تأکید می‌ورزند . با این حال، واکنش رهبران چ ۱۰ و مأموران سفارتی آنان جز بی‌اعتنائی و سکوت تأیید آمیز بر آنچه رییدادگاههای حکومتی می‌گذرد، چیزی جز دیگری نیست و واکنشی قاری از هر گونه احساس مسئولیت، منطق و اخلاق انسانی به گوشه‌های از این اعتراضات گسترده توجه

دنامارک

کنید: اتحادیه سوسیالیستهای دنامارک، ضمن مخابره تلگرامی، خطاب به رئیس مجلس شورایی اسلامی، تشکیل دادگاه‌های نظامی علیه افسران میهن دوستان و فعالین حزب توده ایران را شدیداً محکوم کرده، آنرا مغایر با قانون اساسی چ ۱۰ دانسته است .

آذر (روزنامه لند و فالک، ارگان حزب کمونیست دنامارک متن کامل بیانیه کمیته مرکزی حزب توده ایران در رابطه با تشکیل دادگاه‌های در بسته نظامی در ایران به چاپ رسیده است همین روزنامه، در تاریخ ۱۵ دسامبر (۲۴ آذر) طی مقاله‌ای، پس از اشاره به برگزاری جلسات غیر علنی محاکمات، زمینه تدارک این توطئه شوم و شکنجه‌هایی که متهمین ماهها تحمل کرده‌اند، به تفصیل توضیح داده شده و به ویژه مغشوش بودن



با گسترش موج همبستگی بین‌المللی جان زندانیان سیاسی مترقی و ضد امپریالیست ایران را نجات دهیم

اعتراضات کارگران اوج می گیرد!

فریاد اعتراض در هر گوشه‌ای از میهن ما بلند است. بحرانی که سیاستهای ضد مردمی رژیم ج ۱۰ در کشور ایجاد کرده است چنان عمیق، شدید و گسترده است که هیچ قشر و گروهی از مردم زحمتکش ما را بی نصیب نمی گذارد. همین چندی پیش بود که رهبران ج ۱۰ در اندیشه های مالیخولیایی خود بر برج عاج می نشستند و بر تمام جهان فرمان می راندند! آنها به ایمن خیال بودند که با تبلیغات گویلز مابانه، خواهند توانست مدتی طولانی مردم را بفریبند. ولی این آنها بودند که مردم را شناخته بودند. به همین دلیل تازیانه واقعیات هر روز ضربه تازه‌ای بر پیکرشان وارد می آورد.

میهن ما در ماههای اخیر، شاهد نمونه‌های

دستمزد از سوی کارگران، مطرح بوده و در برخی کارخانجات کارگران موفق شده‌اند این خواست خود را به کارفرمایان تحمیل کنند. کارگران کارخانجات دیگر نیز در پی تحقق این خواست خود هستند و در این رابطه درگیری‌هایی نیز رخ داده است. (کیهان ۱۰/۸/۶۲)

— خواست اضافه دستمزد و مزایا و برخی خواسته‌های صنفی دیگر، توسط کلرگران کارخانجات ایران ناسیونال (ایران خودرو) چنان دامنه‌ای گرفته است، که وزیر کار در کارخانه حضور یافته و اعلام کرده است:

" انقلاب اسلامی بی نظمی، ولنگاری و افزون طلبی را تحمل نمی کند " (اطلاعات ۱۹/۷/۶۲)

— در جلسه ثانوی هماهنگی شوراهای

پاسداران قرار گرفت و طبق اخبار رسیده، دستگیری دهها نفر از کارگران که در زندان اوین به بند کشیده شدند، انجامید. . . .

و این تنها گوشه کوچکی از اوج گیری فریاد اعتراض کارگران است. سیاستهای بحران افزا رژیم ج ۱۰ کارگران را از همه سو احاطه کسرد است.

در شرایط فشار روز افزون اقتصادی، د حالی که کارگران و زحمتکشان ایران هر روز شاهد جهش قیمت ها هستند، در حالیکه با يك تصمیم مسئولان استان آذربایجان شرقی قیمت گوشت کوسفند از کیلویی ۵۰ تومان به کیلویی ۸۵ تومان، می چسبد و دولت با سیاست های تورم زای خود، بیش از پیش به عامل افزایش قیمت ها بدل می



بسیاری از اعتراضات توده‌های مردم بوده است: تظاهرات افسریه به علت قطع آب، تظاهرات تهران علیه سیاستهای ضد افغانی رژیم، تظاهرات شیراز علیه زنان و مردانه کردن اتوبوس، اعتراضات گسترده ضد جنگ در شهرهای مختلف و تظاهرات هر روزه دهقانان زحمتکش علیه سیاست تخریب هر چه بیشتر اقتصاد کشاورزی و . . .

در این میان اعتراضات کارگران ایران بیش از پیش اوج می گیرد. طبقه کارگر ایران، که در تمامی تظاهرات و اعتراضات توده‌های در کنار دیگر زحمتکشان شرکت دارد، اکنون با خواست های مستقل خود وارد صحنه مبارزه می شود.

علی رغم تلاش مأموران ج ۱۰ در جلوگیری از نشست اخبار در روزنامه‌های " اریعه " و علی رغم دستور صریح رئیس جمهور مبنی بر اینکه " تمام حقایق را به مردم نباید گفت "، خبرهایی که از گوشه و کنار درز پیدا می کند حاکی از اقدامات اعتراضی کارگران است:

— وزیر صنایع به هنگام بازدید از کارخانجات قزوین تأکید کرد که خواست افزایش

اسلامی ناحیه جاده، مخصوص کرج اعلام شد که در کارخانه کاتر بیلا در گیری بوده است.

— کارگران مبارز کارخانه چیت تهرسان به نشانه اعتراض به اخراج عده‌ای از فعالین شورای کارخانه دست به اعتصاب ۲۴ ساعته می زدند و موفق می شوند خواست خود را به مسئولین بقبولانند.

— اعتراض کارگران در بسیاری از کارخانجات به اعتصاب و توقف کار می انجامد. به گفته وزیر کار: " بعضی از برادران انجمن ها آنقدر اصرار می کنند که نظم را به هم می زنند و موجب توقف کار می شوند ".

— در کارخانه نیسرو پارس نیز کارگران خواسته‌های اضافه دستمزد داشته و مسئله تا بدانجا پیچیده شده که کمالی مجبور به حضور در کارخانه و بحث پیرامون مسائل کارگری شده است. (ج ۱۰/۱۷/۶۲)

— در اواسط ماه دی در کارخانه دخانیات تهران، کارگران در اعتراض به تقلیل دستمزد و طولانی کردن زمان کار، به تحصن در کارخانه دست زدند. این حرکت اعتراضی، مورد یسورش

شود، در این شرایط، خواست اضافه دستمزد و مزایا یکی از خواسته‌های محوری جنبش مطالباتی کارگران می گردد.

کارگران در این مورد بارها و بارها از طریق نمایندگان خود به مناسبت های مختلف، ارسال نامه‌ها و طومارها خواست به حق خود را مطرح کرده‌اند. ولی مسئولان ملکی همواره با وعده و وعید آنها را سردوانداند. اکنون دیگر کارگران نمی توانند نه به این مسئولان اعتماد کنند و نه در انتظار قتل و قرارهای آنها بمانند. زیرا مسئولین وزارت کار صریحا امکان هرگونه اضافه دستمزدی را در سال آینده منتفی کرده‌اند.

کمال گنجبای عمعاون وزارت کار و امور اجتماعی، در يك مصاحبه مطبوعاتی در شیسراز گفت:

" چون افزایش دستمزد تورم می آورد و در بالا رفتن قدرت خرید مردم موثر و تحمیل به افسرد مستضعف است، بدین جهت در شورای عالی کار با افزایش دستمزد مخالفت می شود " (کیهان ۱۰/۱۳/۶۲)

بقیه در صفحه ۱۱

راه حل‌های بحران زابرای رفع بحران

بقیه از صفحه ۱
ارائه می‌دهند:

" امر مستضعفین اصلاح نمی‌شود مگر به اصلاح امر سرمایه‌دارها . راهی برای حمایت از محرومان و مستضعفان نیست، مگر برگشت احکام اسلام و به دور ریختن بدعت‌ها از قبیل قیمت گذاری و سهمیه بندی . . . و قانون‌های خلاف شرع مجلس طاغوت و شورای انقلاب . . ." (رجب علی طاهری نماینده کارزون - اطلاعات ۲۹ آبان ۶۲)

" باید مردم را . . . مطمئن ساخت که مالکیت مشروع درج ۱۰ محترم است " تا " سرمایه های سرگردان " جذب تولید شوند (محسن مجتهد شبستری - نماینده تهران - از سردمداران حزب ج ۱۰ ، اطلاعات ۱۷ دی ۶۲) .

یکی دیگر از سردمداران ج ۱۰ در حالی که اعتراف می‌کند:

" سیستم اقتصادی فعلی ما ، سیستم موروثی اقتصاد واپسته رژیم گذشته است " راه جل را در ادامه همین راه ، به کمک برنامه‌های پنج ساله و ده ساله از طسراز برنامه‌های کنونی دولت می‌داند (هادی خامنه‌ای - اطلاعات همانجا) که چنانکه می‌دانیم جز ادامه کاری این اقتصاد واپسته از محتوای دیگری برخوردار نیست .

نماینده نائین ، از حجتیه‌گرایان مشهور ، ضمن انتقاد از نارسایی‌ها و ناتوانی‌های دولت ، چاره را در " رفع محدودیت‌های سرمایه‌گذاری تولیدی بخش خصوصی و ایجاد عوامل مشوق لازم

در این زمینه " ، کاهش سرمایه‌گذاری‌های عمرانی دولت " ، و کاهش " خدمات رایگان و پرداخت سوسیدهای آشکار و پنهان " می‌بیند (طیب - کیهان ۱۷ دی ۶۲) .

به عبارت دیگر با بی‌شرمی تمام راه برون‌رفت از بحران را ، افزایش استثمار و فقر زحمتکشان و تشدید غارتگری سرمایه‌داران می‌داند .

در شرایط تسلط دم افزون کلان سرمایه - داران و بزرگ مالکان بر حاکمیت ج ۱۰ ، دولت بیش از پیش به ابزار سخنگوی منافع آنان تبدیل می‌شود . بوروکرات‌های غرب‌گرا که اهرم‌های اصلی دولت ج ۱۰ را در اختیار دارند ، با اجرای رهنمودهای نمایندگان و مدافعان سرمایه‌داران و زمین‌داران بزرگ ، هر روز حق - السکوت تازه‌ای به غارتگران مردم می‌پردازند . آخرین اقدام دولت که از اهمیت اقتصادی

برخوردار است ، تسلیم لایحه معافیت درآمدهای حاصل از کشاورزی از مالیات به مجلس است . بنا بر این لایحه که کلیات آن در شور اول به تصویب مجلس رسید ، " درآمد حاصل از کلیه فعالیت‌های کشاورزی از اول سال ۶۲ تا ۳۱ به مدت ۵ سال از پرداخت مالیات بردارم معاف می‌شوند " (کیهان - ۱۲ دی ۶۲) .

بپایان این تصمیم ، بحران حاکم بر اقتصاد کشاورزی ایران ، کاهش تولیدات کشاورزی و افزایش واردات محصولات کشاورزی از جمله واردات ۲/۵ میلیون تن گندم ، یعنی بیش از

تحصن در کارخانه د خانیات تهران

کارگران متحصن حمله بردند . کارگران بی دفاع ، همچنان به مقاومت پرداختند . پاسداران مسلح که هر اعتراضی را با قنذاق تفنگ پاسخ می‌گفتند ، با دستگیری ۴۵ تن از کارگران متحصن ، سرانجام ، تحصن کارگران را ، هر هم شکستند . این کارگران یک راست ، روانه بازداشتگاه اوین شدند .

سردمداران ج ۱۰ ، که با پی‌گیری سیاست خیانت به منافع مردم ، خود در ایجاد وضع نا - بسامان اقتصادی برای زحمتکشان ، افزایش تورم ، دامن زدن به احتکار و گرانی و محروم ساختن کارگران از ابتدائی ترین حقوق طبیعی ، صنفی و سیاسی ، زمینه عینی اعتراضات بی‌حق آنان را فراهم آورد ، نه تنها راه پاسخگویی به خواست کارگران را در بر کارگیری خشن " زور و سر نیزه " و بازداشت‌های دست‌جمعی می‌بینند . این " شیوه " آریامهری " که کارگران در سال‌های مبارزه با طاغوت ، با شکل و یکپارچگی خود آن را بی‌اثر ساختند ، شاید برای مدت کوتاهی کارآسی داشته باشد ، اما در فردائی که همکاران ، باید جان خریدن تضییقاتی بیش از زور و سرنیزه و بازداشت ، باز هم خواسته‌های بی‌حق خسود را مطرح می‌کنند ، حاکمان ج ۱۰ چه پاسخی دارند ؟!

دامنه ابراز نارضایتی‌ها و اعتراضات کارگران در هفته‌های اخیر گسترده شده است . در پی اعتراضات به حق کارگران در قزوین و رشت و دیگر شهرهای ایران ، این بار کارگران د خانیات تهران در اواسط ماه جاری دست به تحصن زدند . کارگران به انگیزه دستیابی به خواست‌های برحق خود ، به افزایش ساعات کار در این کارخانه اعتراض کردند و بعد لیل عدم افزایش دستمزد که بیش از سه سال است ثابت مانده ، دست از کار کشیدند و در محیط کارخانه به تحصن نشستند .

به رغم کوشش‌های مذبحخانه مد پرد خانیات نمایندگان وزارت کار و " انجمن اسلامی " این کارخانه در جهت شکستن تحصن و پایان دادن به اعتراضات آنان ، کارگران همچنان بر خواست‌های خود پافشاری کردند .

کارگران متحصن ، از اینکه برای شنیدن درد های آنان " گوش شنوایی نیست " به اعتراض برخاستند . یکی از کارگران می‌گفت:

" به ما ثابت شده ، از این حکومت هم باید حقمان را به زور بگیریم " .

با ادامه و گسترش اعتراضات کارگران ، طبق معمول پاسداران مسلح و مأمورین انتظامی - بسیج ، وارد صحن کارخانه شدند و با خشونت به

۲/۵ برابر واردات گندم در زمان شاه و خانه‌خراپی و مهاجرت گسترده روستائیان به شهرهاست . اما تدابیر اندیشیده " دولت خدمتگزار مستضعفان " ، جز به کار تشویق زمین‌داران - و باغ‌داران بزرگ و صاحبان دام‌داری‌های بزرگ نمی‌آید . مالیات عمده‌ای که بیش از ده میلیون روستایی بی‌زمین و کم‌زمین ایران می‌پردازند ، مالیات غیر مستقیم است که کفافی‌السابق ناگزیر از پرداخت آن خواهند بود . بخشودگی مالیات بردارم کشاورزی در اساس شامل حال زمین - داران بزرگ می‌شود . تصویب این لایحه تضمینی در جهت ازدیاد درآمد آنان و تشویق

" سرمایه‌های سرگردان " به کشاورزی و تصرف زمین‌های هرچه وسیع‌تر به وسیله زمین‌داران و سرمایه‌داران است . امری که چنانکه تجربه آریامهری نشان داد ، به خانه‌خراپی باز هم بیشتر دهقانان خواهد انجامید .

کارنامه دولت مدافع سرمایه‌داری واپسته ج ۱۰ ، مشحون از این تدابیر است . برای رفع بحران به راه حل‌های بحران‌زا روی می‌آورد و بحران اجتماعی - اقتصادی حاکم بر میهن ما را تشدید می‌کند .

رویدادهای سیاسی حاکی از آن است که ارتجاع حاکم بر میهن ما ، سرآن دارد راهی را که در بیست آغاز کرده تا پایان پیماید . مهم - ترین رویداد سیاسی هفته‌های اخیر ، سخنرانی آیت‌الله خمینی در جمع رهبران اقتصادی و سیاسی بازار تهران بود . در جمع‌بازاریانی که به عنوان نزول " وجوه شرعی‌های " که در سال‌های مبارزه با شاه پرداخته‌اند ، خواهان تاراج جاودانی دسترنج مردم محروم هستند و به آنچه که تا کنون کسب کرده‌اند ، به هیچ‌وجه راضی نیستند . آیت‌الله خمینی در این سخنرانی تاریخی نشان داد که قصد آن دارد آتش را با پاشیدن نفست بر آن خاموش کند :

" اگر در مجلس آینده يك قدم عقب نشینی کنید ، در آینده نزدیک ما را کنار خواهند گذاشت " شما بازارها را بیدار کنید تا در تهران و سایر جاها اشخاصی را به مجلس بیاورند تا مجلس آینده ما از مجلس فعلی بهتر باشد " (سخنرانی آیت‌الله خمینی در جمع بازاریان - جراید) .

بدینسان تغییر قطعی تناسب نیروها به سود سرمایه‌داران و زمین‌داران پینسوزگ در حاکمیت در دستور روز قرار گرفته است . امری که بدون شک به گسترش بحران در پائین ، در میان توده‌ها خواهد انجامید .

تجربه همه انقلاب‌های رهائی بخش در دوران ما نشان می‌دهد که با در پیش گرفتن راه واپستگی آفرین سرمایه‌داری در این کشورها ، دستیابی به هیچ یک از آماج‌های انقلاب ممکن نیست . راه سرمایه‌داری در کشورهای استعمار - زده ، راه فرورفتن در باتلاق بحران تحقق‌یابنده اجتماعی - اقتصادی و سیاسی و انباشت مواد منفجره بر آمده‌های انقلابی نوین در آنهاست . حاکمیت ج ۱۰ ، با انتخاب ناگزیر و روزافزون راه حل‌های بحران‌زا برای رفع بحران ، مصداق دیگری برای این قانونمندی است .

احزاب، سازمانها و محافل دمکراتیک...

بقیه از صفحه ۲

سوی نهاد های معتبر حقوقی بین المللی انجام گیرد .

فرانسه

سند بنای شورای ملی (کنفدراسیون عمومی کار) در لیون ، تلگرامی به تاریخ ۳۰ دسامبر (۲۵ دی) به سفارت ج ۱۰۱۰ در پاریس مخابره کرده که طی آن نگرانی شدید خود را در باره سرنوشت میهن دوستانی که در دادگاه هلی نظامی درسته محاکمه می شوند ، ابراز داشته و خواستار رعایت حقوق آنان و برگزاری جلسات محاکمات به صورت علنی و با حضور ناظران بین المللی گردیده است .

● روزنامه های مترقی تولوز - فرانسه ، در ارتباط با خبر برگزاری دادگاه های نظامی علیه افسران میهن دوست و اعضای حزب توده ایران ، به انتشار گزارشات در این باره دست زد مانند : از جمله روزنامه " دیش " ، اعلامیه کمیته بین المللی دفاع از زندانیان دمکرات ایران را چاپ و ضمن مطرح کردن اهداف کمیته و لزوم حمایت از آن ، به خاطر نجات جان زندانیان ، آدرس کمیته دفاع از زندانیان توده های در تولوز را در اختیار خوانندگان نشریه قرار داده است .

آلمان فدرال

انجمن هواداران صلح آلمان ، سازمان ضد فاشیست ها و کسانی که تحت پیگرد نازی ها قرار داشتند ، حزب کمونیست آلمان ، فدراسیون اتحادیه های کارگران تریه در آلمان فدرال ، اتحادیه دانشجویان مارکسیست ، جوانان کارگر سوسیالیست و کمیته زنان دمکرات شهر نورنبرگه طی امضای بیانیه ای ، نسبت به رویداد های اخیر ایران ابراز نگرانی نموده و ضمن محکوم کردن رفتار وحشیانه رژیم ج ۱۰۰ در قبال دگر - اندیشان ، به ویژه سرکوب حزب توده ایران و بازداشت و شکنجه هزاران تن از اعضا و پرهانی دادگاه های نظامی علیه آنان ، پشتیبانی کامل خود را از جنبش همبستگی جهانی با زندانیان توده های و کلیه دمکراتهای در بند کشور ما اعلام کرده اند . این سازمانها ، همچنین تشکیل جلسات محاکمه به صورت علنی و با شرکت ناظران بین المللی ، بررسی وضع زندانیان توسط هیأتی مرکب از پزشکان و حقوقدانان و آزادی کلیه زندانیان سیاسی مترقی را خواستار شده اند .

● سند یکای " علم و آموزش " آلمان فدرال ، در تاریخ ۷ دسامبر (۱۶ آذر) ، در رابطه با برگزاری دادگاه های درسته نظامی علیه افسران میهن دوست و اعضای حزب توده ایران ، اعتراض نامه ای به سفارت ج ۱۰۱۰ ارسال و طی آن متذکر شده است که به جای بازداشت ، شکنجه و تشکیل جلسات محاکمه غیر علنی برای دگر - اندیشان ، باید با آنها رفتار انسانی داشت و حقوق قانونی ایشان را رعایت کرد . سند یکا ، توجه مسئولین حکومتی ایران را به این امر جلب می کند ، از آنجا که این سند یکا ، در بر گیرنده بقیه در صفحه ۷

شکنجه آنان می دانیم . چنین اعمالی ، ناقض اصول آزادی و عدالت است .
حکومت ایران را به آزادی فوری کلیه زندانیان سیاسی مترقی و تشکیل جلسات علنی محاکمات مطابق موازین بین المللی برای انسان فرامی خوانیم ، تا متهمان امکان آزاد دفاع از خود در برابر ناظران بین المللی را داشته باشند .
ما همچنین می خواهیم که مسئولین حکومتی



ج ۱۰۰ به گروهی از پزشکان اجازه دهند به ایران مسافرت کرده ، وضع زندانیان را از نزدیک بررسی و مراقبتهای پزشکی لازم را در مورد آنان به عمل آورند .

● انجمن " دوستان آمریکائی انقلاب ایران " پس از اعلام خبر برگزاری دادگاه های درسته نظامی در تهران ، نامه ای به تاریخ ۲۸ نوامبر (۷ آذر) ، خطاب به نمایندگی دائمی ج ۱۰۰ در سازمان ملل ارسال داشته و طی آن به مسئله اهمیت که محاکمه اعضای حزب توده ایران برای افکار عمومی مترقی بین المللی دارد ، اشاره کرده اند و ضمن جلب توجه مقامات حکومتی ایران نسبت به خواست این محافل ، یعنی بر نجات جان زندانیان و آزادی آنان ، خواسته اند که محاکمات به صورت علنی و با شرکت ناظرانسی از

مشکل از پزشکان و حقوقدانان به میهن ما جهت بررسی وضع زندانیان از نزدیک ، تأکید ورزیده اند .
" راه توده " ضمن ابراز قدر دانی از همبستگی این افراد و سازمانها و طلب پوزش از عدم امکان درج کلیه نامها و پیمایها ، به بخشی از اسامی آنان را منتشر می سازد .

● اتحادیه ملی علیه ستم نژادی و تزییقات سیاسی در شمال کالیفرنیا ● اتحادیه عمومی دانشجویان فلسطین در سانفرانسیسکو ● کمیته دوستی ایالات متحده آمریکا و جمهوری دمکراتیک آلمان ● کارکنان نشریه " پیپلز ورلد (دنیای مردم) ● دکتر ویلیام آیزمن ، دبیر انجمن دوستی ویتنام و آمریکا ● پرفسور چارلز درک مایر استاد علوم سیاسی دانشگاه استانفورد در کالیفرنیا ● پرفسور جان کلی ، استاد ریاضیات در دانشگاه برکلی ● خانم بینگ کلی ، یکی از شخصیتهای مترقی و با نام شهر برکلی ● پرفسور چارلز استاین ، استاد آمار دانشگاه استانفورد ● پرفسور ریچارد ژیرو ، استاد دانشگاه استانفورد .

● در شماره ۱۴ دسامبر (۲۳ آذر) " دیلی ورلد " ، ارگان حزب کمونیست آمریکا ، متن کامل بیانیه کمیته مرکزی حزب توده ایران به تاریخ ۷ دسامبر (۱۶ آذر) ، مربوط به برپائشی بیدادگاه های نظامی علیه افسران میهن دوست و اعضای حزب توده ایران ، به چاپ رسیده است .

● سازمانهای زیر در آمریکا ، طی مخابره تلگرامهایی به مقامات مسئول ج ۱۰۰ ، پیگیری ، شکنجه و محاکمه اعضای حزب توده ایران و افسران میهن دوست را در دادگاه های درسته نظامی محکوم کرده ، به رسمیت شناختن حقوق قانونی این افراد ، منع پیگرد و قطع شکنجه و برگزاری محاکمات به صورت علنی ، با شرکت ناظران بین المللی را خواستار شده اند .

" سازمان " ، شورای صلح ایالات متحده آمریکا و کمیته همبستگی با شیلی در این کشور .

● هیأت مدیره اتحادیه متخصصین بهداشت عمومی ، عضو " اتحادیه ملی کارکنان بیمارستانها و مراقبت های درمانی " ، در رابطه با بازداشت و شکنجه اعضای حزب توده ایران ، قطعنامه ای صادر و متن آنرا برای دفتر حفاظت منافع ایران (سفارت الجزایر - واشنگتن) و نمایندگی دائمی ج ۱۰۱۰ در سازمان ملل متحد ارسال داشته و طی نامه جداگانه ای ، عطف به قطعنامه مصوبه نگرانی شدید کارکنان این اتحادیه را نسبت به اعمال بی رویه حکومت ایران در مورد کلیه دگراندیشان و مبارزان راه آزادی ایران ، ابراز نموده است .

در بخشی از این قطعنامه آمده است :
" با اطلاع از آنچه که امروز میارزین توده های و سایر دمکرات ها در ایران می رود ، خود را موظف به محکوم شمردن رفتار وحشیانه ما مورین حکومتی ج ۱۰۰ در قبال مخالفین سیاسی و پیگرد ، تعقیب ، بازداشت و

احزاب، سازمانها و محافل دمکراتیک و...

بقیه از صفحه ۶

آموزگاران و مسئولین علمی و فرهنگی و کارشناسان امور تربیتی است و سندیکا برای کودکان و نوجوانان، مسأله آشنائی با فرهنگ و آداب و رسوم ملل غیر را به عنوان یکی از برنامه‌های آموزشی تعیین نموده است، شرح آنچه که امسروز در ایران می‌گذرد، به جز مخدوش کردن چهره حکومت ج ۱۰، نتیجه‌ای نخواهد داشت و برای مسردم ایران نیز این گونه اعمال روشها با مخالفین سیاسی، قابل قبول و خوش آیند نیست.

سندیکا، سپس تأکید کرده است که دادگاهها تودهایها، باید طبق موازین حقوقی و با شرکت ناظران بین‌المللی باشد؛ موارد اتهام و مدارک مربوط به آن تحت شرایط دادگاه علنی به اطلاع همگان برسد و متهمان اجازه دفاع از خود داشته باشند.

شعبه سندیکا در شمال برمن نیز نامه‌ای اعتراضی به همین مضمون، به سفارت ج ۱۰ در بن ارسال و تلگرامی به مقامات مسئول حکومتی مخابره نموده است.

● در تاریخ ۱۸ دسامبر (۲۷ آذر) ، در مراسم سومین کنگره سازمان جوانان حزب کمونیست یونان که از طرف سازمان در گوتینگن برگزار شد، نمایندگان حزب توده ایران نیز حضور داشتند و جوانان کمونیست یونان ضمن ابلاغ مراتب همبستگی خود با زندانیان تودهای از طریق آنان، قطعنامه‌ای در این مراسم به تصویب رساندند که طی آن مراتب انزجار و تنفر شدید خود را از اعمال وحشیانه، مأمورین رژیم ج ۱۰ با اعضای حزب ما و سایر نیروهای شرقی در ایران ابراز و برخواستهای مبنی بر تشکیل جلسه محاکمات به صورت علنی، و با حضور ناظران بین‌المللی و بررسی وضع زندانیان توسط کمیسیون از پزشکان و حقوق دانان و آزادی فوری آنان، تأکید ورزیدند.

● سازمانهای حزب کمونیست ایتالیا و سایر گروه‌ها و نهاد های دمکراتیک این کشور در آلمان فدرال، طی امضای بیانیه و مخابره تلگرام به مقامات مسئول ج ۱۰، نگرانی شدید خود را از جو اختناق، فشار، شکنجه و اعدام علیه نیروهای مترقی در ایران ابراز نموده و به وسیله برپائی بیدادگاه‌های نظامی علیه اعضای حزب توده ایران را محکوم نمودند. آنان این محاکمات را نقض کامل حقوق انسانی و قضائی دانسته، دولت ایران را به مراعات موازین بین‌المللی حقوق بشر در مورد متهمان و کلیه زندانیان سیاسی مترقی فراخواندند و در این رابطه پشتیبانی کامل خود را از خواستهای محافل دمکراتیک بین‌المللی مبنی بر اعزام هیأتی از پزشکان و حقوقدانان به ایران، جهت بررسی وضع زندانیان، آزادی آنان و قطع فوری دادگاه های نظامی اعلام نمودند.

● فدراسیون حزب کمونیست ایتالیا در کلن
● فدراسیون کارگران مهاجر ایتالیائی و خانواده های آنان در کلن ● دفتر فرهنگی رینا شیتسا

● سندیکای کارکنان مدارس، مربوط به کنفدراسیون عمومی کار ایتالیا در کلن ● انجمن مهاجرین ایتالیائی سوسیالیست و خانواده‌های آنان (اوسف) در آلمان فدرال ● فدراسیون کارگران مهاجر ایتالیائی و خانواده‌هایشان در فرانکفورت .

● کمیته اجرائی " اتحادیه صلح آلمان " در ایالت هسن، نامه‌ای به تاریخ ۱۶ دسامبر (۲۵ آذر) به سفارت ج ۱۰ در بن ارسال داشته و طی آن، برگزاری بیدادگاه‌های نظامی علیه افسران میهن دوست و فعالین حزب توده ایران را شدیداً محکوم کرده و عدم برخورداری متهمان از امکان دفاع از خود را مغایر موازین بین‌المللی دانسته است .

" اتحادیه صلح آلمان " رعایت مفاد سند رج در اعلامیه جهانی حقوق بشر در مورد دگس- اندیشان و دمکراتها و برقراری آزادی و دمکراسی را در ایران خواستار گردیده است .

● گروهی از روحانیون مسیحی و کارکنان کلیسای شهر برمن، طی مخابره تلگرامی به مقامات حکومتی ج ۱۰، پس از مطرح کردن سوالاتی در این زمینه که چرا اعضای حزب توده ایران، در دادگاه‌های نظامی و بدون حضور ناظران بین‌المللی محاکمه می‌شوند و چگونه است که هزاران دمکرات، صرفاً به جرم داشتن عقاید دیگر، در زندان تحت شکنجه به سر می‌برند، از حکومت ایران خواستند که به این اعمال خاتمه بخشد .

اسامی محترضین به قرار زیر است:

- برترز باخ ● کرمر ● دانگر ● دورن هوفر
- دروز ● هار ● هارد و ● هولین ● کروزه ● پیویس
- هارد و ● دیستل مایر ● زاورتر ● دکتراول ● فون تسویل تیتز .

● نشریه اوانگلیستها (یکی از شاخه‌های مذهبی مسیحی) در برمن ، در شماره ۲۱ دسامبر (۳۰ آذر) خود، ضمن درج خبر فوق، مضمون تلگرام را به چاپ رسانده است .

● حزب دمکراتهای سوسیالیست " آلمان فدرال ، طی ارسال نامه‌ای به سفارت ج ۱۰ در بن ، رویه حکومت ایران در قبال دگراندیشان را به شدت محکوم کرده ، تعقیب ، بازداشت و شکنجه دمکراتها و کمونیستها را به زیان مردم و انقلاب ایران ارزیابی می‌کند .

برپائی بیدادگاه‌های نظامی علیه فعالین حزب توده ایران ، مورد اعتراض شدیدی دمکرات های سوسیالیست است . آنان خواستند که کمیسیون بین‌المللی به کشور ما عزیمت نماید و وضع زندانیان را از نزدیک بررسی کند و کلیه زندانیان سیاسی و مترقی ، آزاد گردند .

اسپانیا

در مراسمی که از طرف " حزب ناسیونالیست چپ " در روزهای ۱۷ و ۱۸ دسامبر (۲ و ۱۳ دی) در بارسلن برگزار گردید، شرکت کنندگان در مراسم ، ضمن بازديد از غرفه حزب توده ایران ، بابت دیگر همبستگی آزادبخواهان این شهر را با رفقای دریندما اعلام داشته ، برپائی محاکمات در بسته نظامی را علیه آنان محکوم کردند .

● انجمن وکلای جوان " مادرید ، طی ارسال نامه‌ای به تاریخ بیستم دسامبر (۲۹ آذر) به سفارت ج ۱۰ در اسپانیا ، نگرانی خود را از اطلاع واصله مبنی بر جریان برگزاری دادگاه های نظامی در تهران ابراز نموده است . امضای انجمن عدم برخورداری متهمین از حق داشتن وکیل مدافع ، عدم حضور ناظران در دادگاه و " اقرار " متهمان " زیر شکنجه را مغایر با موازین بین‌المللی حقوق بشر می‌شمرد و اعلام می‌کند از این رو دولت ایران را به اجرای این موازین موظف می‌داند

ابراز همبستگی کنگره وحدت کمونیستهای اسپانیا با حزب توده ایران

۲- به هیأتی از پزشکان و حقوق دانسان اجازه داده شود که از زندانیان سیاسی در ایران بازدید به عمل آورده تا از وضع آنان مطلع گردند. در این کنگره ، هیأت های مختلفی از سوی احزاب کمونیست و برادر: اتحاد شوروی - بلغارستان - آلمان دمکراتیک - چکسلواکی - مجارستان - آلمان فدرال - یونان - لبنان و حزب توده ایران به عنوان میهمان شرکت داشتند .

● در کنگره حزب کمونیست اسپانیا که در روز های ۱۴ و ۱۵ دسامبر ۱۹۸۳ برگزار شد قطعنامه همبستگی با زندانیان توده‌های دمکرات به تصویب رسید . در این کنگره تصمیم گرفته شد تلگرامی در مورد وضع زنان ایرانی به سفارت ج ۱۰ فرستاده شود .

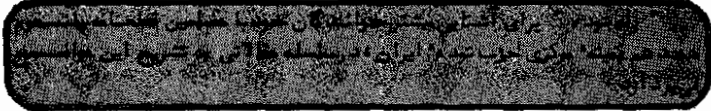
در کنگره وحدت ۴ حزب و سازمان مارکسیست -لنینیستی اسپانیا که برای " احیای حزب کمونیست اسپانیا " در روزهای ۱۳ تا ۱۵ ژانویه ۱۹۸۴ در مادرید برگزار شد قطعنامه‌ای در پشتیبانی از حزب توده ایران و محکوم ساختن فشار و تضییق موجود در ایران به تصویب رسید . در این قطعنامه آمده است :

" کنگره وحدت کمونیستها به شدیدترین وجهی ، فشار و تضییق موجود در ایران علیه تودهایها و سایر دمکراتهای انقلابی را محکوم می‌کند ."

کنگره از سفارت ج ۱۰ می‌طلبد:

" ۱- هر چه سریع تر به اختناق و فشار علیه طبقه کارگر و خلق های ایران پایان داده شود ."

تحولات طبقاتی در



در قطعنامه پانجم هجدهم کمیته مرکزی حزب توده ایران آمده است :

اگر در دوران رژیم مخلوع گروه‌های صنعتی، یعنی قشر فوقانی سرمایه‌داران و همچنین مالکان بزرگ در پشت نام شاه فرمائش‌هایی می‌کردند، با ایجاد جمعیتهای اسلامی و حذف گروه‌های صنعتی، اینک کلان سرمایه‌داران و به ویژه بورژوازی تجاری و نیز مالکان بزرگ در مجموع خود در پوشش "موازین شرفی" و به نام "امست مسلمان" حکمروایی می‌کنند. و جامعه به جای آن که محتوای نوین کسب کند، برای حفظ منافع آنان به سوی کهنه ترین شکل سنتی - مذهبی سوق داده می‌شود. مشخصه عدویضیح موجود در این سیاست حاکم میان طبقات و اقشار و "استعداد" حوام فریبانه از تمام قشرها و طبقات جامعه برای برده پوشی دفاع از منافع طبقه استثمارگر دانست. (اسناد پانجم هجدهم - ویژه نامه "راه توده" ص ۷)

در توضیح این حکم و نتیجه گیری‌های سیاسی ناشی از آن، تحولات طبقاتی در جامعه ایران در انقلاب بهمن در جریان پیروزی و زرقش و سپس روند زوال انقلاب بهمن را بررسی می‌کنیم.

سرمایه بزرگ وابسته در کشاورزی، در واحدهای بزرگ کشت و صنعت سرمایه‌های انحصارات امپریالیستی در آمیخته بود. با ملی شدن این واحدها در املک درباریان و فراریان و وابستگان رژیم تقریباً از میان برخاسته توقف اجرای قانون اصلاحات ارضی، و با آواز باز پس دادن زمین‌ها به زبزرگ، نظام بزرگ مالکی از نابودی نجات یافت.

انقلاب اموال پیمانکاران ساختمانی وابسته به دربار، و زمین‌های شبه خاندان پهلوی و وابستگانش را صادره و ملی کرد. اما بخش بزرگی از زمین‌های خواران و مستغلات داران بزرگ که اموال خود را از رهگذر سفته بازی و بی با آنان به دست آورده بودند باقی ماندند.

به این ترتیب طریقه ضربات جدی به سرمایه‌داری وابسته که در برخی از جمله سرمایه‌صنعتی بزرگ - به حذف سرمایه‌داران وابسته انجامیده، نظام مالکی و کلان سرمایه‌داری وابسته از بین ترفت :

"کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان، هنوز حیاتی ترین شریان‌های اقتصاد زندگی مردم را در چنگ خود دارند. و زانو زدن در برابر دهها میلیون زحمتکش شده را می‌کنند. همین وضع منشا بزرگترین تهدید برای انقلاب است" (حزب توده، ایران صوب ۱۳۶۰ - اسناد پانجم هجدهم ص ۱۱۹)

نقش سیاسی زمینداران و سرمایه‌داران بزرگ وابسته

بزرگ مالکان و کلان سرمایه‌داران وابسته در خراب کاری‌های اقتصادی های نخست انقلاب نقش اساسی داشتند. نمایندگان سیاسی قدیمی طیف سلطنت طلبان به رهبری اویسی‌ها، امینی‌ها، پختیارها که مستقیماً ز رهبری سازمانهای جاسوسی امپریالیستی عمل می‌کردند و می‌کنند، به طور هم د و نقشه اساسی ضد انقلاب را با هدف واحد پیش می‌بردند :

براندازی : یا تدارک کودتای ضد انقلابی (کودتای نوزدهم) و بلوای ضد انقلابی (بلوای خلق مسلمان در تبریز، بلوای قشقایی در فارس)، یا هم با دخالت نظامی امپریالیسم (حمله طیس) در ضد براندازی انقلاب بود. **سرخ :** این نیروها با همکاری و هماهنگی نیروهای تسلیم طلب و سازشکار و در رهبری این نیروها به تلاشهای مختلف برای سرنگ کردن انقلاب پاری می‌رسانند. برای نمونه می‌توان همکاری امیران نظام‌ها و مقدم مراغه‌ای‌ها با دولت بازگرم همکاری قطب زاده‌ها و قشقایی‌ها با گروه بنی‌صدر، همکاری صادق‌ها و فرد و با حاکمیت کنونی را مثال آورد.

در سال‌های اخیر انقلاب، بازمانده زمین‌داران و کلان سرمایه‌داران واب طی تحولاتی که آنها را بررسی خواهیم کرد، مدافعان و نمایندگان سیاسی نرندی از میان روحانیون و سیاستمداران مرتجع در حاکمیت ج ۱۰ دست و پ کردند. امیدواری این بازماندگان برای تأمین بهترین شرایط برای بازگشش سرکای فراری آنان امروز افزایش یافته است. آنان با تشدید تلاشهای خویش جهت شکست انقلاب، در واقع در این راستا عمل می‌کنند.

درهم آمیختگی بقایای سرمایه‌داری وابسته با سرمایه

با گذشت نخستین سالهای انقلاب و به ویژه پس از توقف انقلاب در آستان تحولات بنیادی اجتماعی - اقتصادی، بازمانده کلان سرمایه‌داران و بزرگ مال پیوند های اقتصادی و سیاسی نوینی برقرار کردند و دامنه فعالیت خود را در عرصه‌ها گسترش دادند. شاخص تحولات اجتماعی - اقتصادی در این مرحله در هم آمیزی هر چه بیشتر بقایای سرمایه بزرگ وابسته با رشته‌های گوناگون س طلی بود. این روند در دو محور عمده پیش می‌رفت :

در زمینه اقتصادی بسیاری از سرمایه‌داران وابسته، بخشی از دارایی‌های خویش را به تجار و سرمایه داران وابسته به رژیم به بهای نازل می‌فروختند. آنان را در بخشی از دارایی‌های خویش سهم می‌کردند. با این ترفند، آنان سو بقیه دارایی‌های خویش را از خطر صادره و ملی کردن حفظ می‌کردند، سوی دیگر با استفاده از اعتبار مالی و سیاسی آنان فعالیت‌های اقتصادی گسترش می‌دادند.

از نظر سیاسی، سرمایه‌داران و زمین داران بزرگ سخت در تکیه‌های آن بو که با پرداخت "وجه شرعی" عقب مانده، "په روحانیون بزرگ، دارایی‌ها

سرمایه‌داری وابسته

رژیم شاه، در آخرین سالهای حکومت خویش، از پایگاه اجتماعی محدودی در بخش بالایی سرمایه‌داری و زمین داری وابسته به امپریالیسم، در پیوند با بقایای فئودالیسم سخت جان ایران برخوردار بود (ر. ک. به گزارش هیأت اجرایی پانوم شانزدهم - اسناد و اعلامیهها صفحات ۸-۹). سرمایه‌داری وابسته در رژیم شاه، شامل رشته‌های صنعتی، بانکی، بوروکراتیک، کشاورزی، تجاری و ساختمانی - مستغلاتی بود. پیروزی و گسترش و زرقش انقلاب بهمن ضرباتی به سرمایه داری و زمین داری بزرگ وابسته ایران وارد آورد. این ضربات در برخی رشته‌ها قوی تر و در رشته‌های دیگر ضعیف تر بود. بیش از چهار پنجم صنایع بزرگ وابسته ملی شد. و به این ترتیب بخش اعظم سرمایه‌داری بزرگ صنعتی وابسته از حیثیات اجتماعی - اقتصادی ایران "حذف" شد (گزارش هیأت سیاسی پانوم هفدهم ص ۲). اما صنعت وابسته ایران هنوز تا استقلال واقعی راه طولانی داشته و دارد. صرف نظر از بقایای سرمایه‌داران وابسته که هنوز مالک صنایع بزرگ و متوسط بسیاری هستند، بسیاری از صنایع ایران - دولتی یا خصوصی - از نظر تکنولوژی و وسایل یدکی و مواد خام وابسته به بازار جهانی امپریالیستی هستند. برای نمونه ۸۰٪ مواد اولیه صنایع نساجی ملی شده از بازار امپریالیستی تأمین می‌شود (سخنرانی مدیر عامل سازمان صنایع ملی - کیهان). مهم ترین صنایع دولتی ایران - نفت و پتروشیمی - نیز از این نظر و از نظر بازار فروش در تاروود شبکه انحصارات چند ملیتی امپریالیستی گرفتارند.

با ملی کردن بانک‌ها و موسسات بیمه پس از پیروزی انقلاب بهمن، به غارتگری انحصارات امپریالیستی و سرمایه‌داران بزرگ در این رشته ضربه قاطعی وارد آمد. اما خیل سفته بازان، و تنزیل خوارانش که در پیرامون سرمایه وابسته بانکسی به فعالیت می‌برد اختند باقی ماندند و البته با محدودیت‌هایی به ثروت اندوزی انگلی خویش در رابطه با بانکهای دولتی ادامه دادند.

بخش مهمی از قشر بوروکراتیک - نظامی سرمایه‌داری وابسته از "پاکسازی‌ها" جان سالم بدر برد و در دستگاه دولتی، به ویژه در نهاد های اقتصادی کلیدی چون سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران و سازمان برنامه و بودجه و نیز در نهادهای اطلاعاتی و سرکوب گر نفوذ بسیار بهم زد. این بخش بعد ها در نوسازی سرمایه‌داری بوروکراتیک ایران نقش مهمی ایفا کرد. این نکته به جای خود بیشتر بررسی خواهد شد.

سرمایه بزرگ وابسته تجاری - واردکنندگان بزرگ کالا از کشورهای امپریالیستی - کم و بیش دست نخورده باقی ماند. بسیاری از سرمایه‌داران بزرگ در زمان شاه، در کنار فعالیت تولیدی و بازرگانی داخلی خویش، به بازرگانی خارجی و واردات کالا نیز می‌پرداختند. با خارج شدن اکثر اینان از صحنه، واردکنندگان بزرگ کالا از کشورهای سرمایه‌داری در کنار واردکنندگان نوین کالا، بازاریان بزرگ و متوسط، به چپاول بی سابقه مردم پرداختند.

عقبات ایران در انقلاب بهمن

بوش را "حلال" کنند و پایه حقوقی لازم برای بقای نظام سرمایه‌داری وابسته را، تصویب نهاد های قانونگزاری برسانند.

در بحبوحه انقلاب گروه کثیری از آنان راهی پاریس شدند تا با پرداخت وجوهی از آیت‌الله خمینی تأییدیه بگیرند. آیت‌الله خمینی چنانکه بعد ها خود گفت، آنان را نپذیرفت، اما اقدامی نیز برای ممانعت از این کار به عمل نیاورد. روحانیون بزرگی که آماده پذیرش این فارتگران وابسته و "تواسلام" بودند، کم نبودند. تا جایی که بعد ها این ترغیب ضد انقلابی به رومه رایج بدل شد. به زودی تلاش بحانیت مرتجع برای فراهم آوردن پایه حقوقی لازم برای حفظ نظام کلان سرمایه‌داری وابسته، شکل آشکار به خود گرفت. هنگامی که لایحه صادره اموال سرمایه‌داری فراری در مجلس مطرح بود، روحانی راستگرای می‌گفت:

"مرض من اینست که اگر طرف خودش بپرد پیش حاکم شرع و طبق احکام شرع دادن اموال نامشروعش خودش را تطهیر کند (؟)، این صورت بسیی ناپسند است و در گذشته نیز مرسوم بوده است. خوب ۰۰۰ چه بسا میان امسال را نشان مال حلال هم باشد" (واضعی نماینده ابهر - اطلاعات ۱/۱/۵۶).
در حالی که حتی به اصطلاح دادستانی انقلاب می‌گفت "فراریان به دولت روضند، به بانک ها مقروضند، اموال بیت‌المال را چاهی کرده اند. ارزش زیادی را از لکت خارج کرده اند"، مدافعان کلان سرمایه‌داری در مجلس پاسخ می‌دادند: "مال خودشان را بردماند، مال مردم را که برداشتند" (تحلیل هفتگی زب توده ایران - شماره ۷۶).

شورای نگهبان کلان سرمایه‌داری، با رد این لایحه و دفاع حقوقی غلشی از آن سرمایه‌داری و بزرگ مالکان وابسته نخستین گام مهم را در تطهیر این نظام برداشت.

فرمان ۸ ماده‌ای آیت‌الله خمینی گام مهم دوم در ابقای قطعی بقایای درحال بد سرمایه‌داری و زمین‌داری وابسته بود. آیت‌الله خمینی خود در تفسیر فرمان می‌گفت:

"دیگر نباید بگوئیم حال انقلاب است، نه دیگر حال آرامش است. ۰۰۰ حال آن است که مردم مطمئن باشند. ۰۰۰ سرمایه‌هایشان را به کار اندازند و نسبت به سرمایه‌هایشان اطمینان داشته باشند. ۰۰۰ و دیگر هیچ کس از آمدن به وطن خود بیخود نترسند از اینکه يك وقت سرمایه‌هایشان را بگیرند. خیر ما بیسران متمم که سرمایه مردم گرفته شود. سرمایه مردم مال خودشان است و آن را به کار نندازند. ۰۰۰ و کشور را اداره و تقویت بکنند و دولت هم پشتیبان آنهاست" (ج ۱ - ۳ دیماه ۶۱).

و این فرمان عفو و دحوت به بازگشت زمین داران و سرمایه‌داری وابسته‌ری نیز بود. چرخش به راست بهمن گام نهایی در تثبیت روند ضد حمله سرمایه‌داری و زمین‌داران بزرگ وابسته بود. امروز حضور سرمایه‌داری وابسته با ظاهر اسلامی انقلابی "و بازگشت بزرگ مالکان پدیدم‌ای است که بازتاب گسترده تمامی دارد:

"این آقایان میلیاردها که در زمان شاه تمام کارخانجات و بانک‌های او را آره می‌کردند، چه شده است که امروز همه شان تسبیح و سجاده به دست گرفته‌هوی طرفداری از اسلام عزیز را دارند، و به علت حاکمیت اینان بر اقتصاد کشور مت که آن وزیر آمریکایی می‌گوید بازار ایران را نباید از دست داد" (کامل مابعدین ۰ - نماینده خوبی - ۱۱ اردیبهشت ۶۳ - اطلاعات).

"در يك ماه فرخمی مجلس من به حوزه انتخابیه خودم، در جاهایی که هنوز ان توموبیل به آنجا نرسیده رقم و دیدم که آریابان گذشته فراری با هدستی ورین انتظامی در حال چیدن قندق و گرد و برای خود هستند. مردم محروم ما با طغش انقلاب به جلو آمده بودند به تدریج می‌ترسند و احساس می‌کنند که آنها تشکل جدیدی می‌خواهند به صحنه سیاست و اقتصاد این مملکت برگردند. ۰۰۰ ما گفتم انقلاب نه طرفدار سرمایه دار و نه طرفدار فئودال است، چطور چهارسال داز انقلاب با هدستی ارگانهای انتظامی، فئودالها به منطقه بر می‌گردند و آگاه است در ده کورهای که هنوز جاده ندارند، زنان مردم را به رقص وامی - رند" (محمد حسینی نیا نماینده رودسر - اطلاعات ۲۳ مهر ۶۲).

هنوز آثار دقیقی از میزان اموال توقیفی بازگردانده شده به سرمایه‌داری و زمین‌ران بزرگ در دست نیست. آنچه روشن است اینست که این پدیده اهمیتست مکیتر اقتصادی و سیاسی دارد. تنها در بنیاد مستضعفان "چهار هزارم" اموال توقیفی به سرمایه‌داری و زمین داران بازگردانده شده است (موسوی بیلی - صبح آزادگان ۲۸ دی ۶۱).

بدون شك با چرخش بیشتر تناسب توا به سود ارتجاع این روند گلترش بیشتری خواهد یافت.

سرمایه‌داری ملی و سازمانهای سیاسی آن

سرمایه‌داری ملی ایران، آن بخش از سرمایه‌داری ایران است، که به طور عمده با تولید و بازار داخلی در ارتباط است. و ملکز آن به طور عمده تأمین قارت انحصارات امهرالیستی نیست. این بخش به طور عمده سرمایه‌داری متوسط و کوچک - که از نظر کمی اکثریت قاطع سرمایه‌داری ایران در آن جای دارند را در بر می‌گیرد. در دوران شاه عکامل سرمایه‌داری ملی ایران دو ویژگی اساسی داشت. نخست اینکه گسترش وابستگی مجموعه اقتصاد ایران به بازار جهانی امهرالیستی روی بهره‌روازی ملی ایران نیز تأثیر گذارد. بهره‌روازی بازار که به طور عمده با تولید و توزیع داخلی پیوند داشت، کم و بیش واردکننده کالا نیز محسوب می‌شد و به خرید و فروش کالاها امهرالیستی نیز می‌پرداخت. چنانکه گفتم بخش مهمی از صنایع ملی ایران نیز از نظر تکنولوژی، مواد اولیه و وسایل یدکی به انحصارات امهرالیستی وابسته شدند. این ویژگی پایه اقتصادی گرایش بهره‌روازی ملی ایران به حفظ پیوند با بازار جهانی امهرالیستی بود.

دوم اینکه به ویژه از سالهای افزایش چشمگیر درآمد نفت، اعتبارات کلان بانکی دولتی حاصل از تاراج چاه‌های نفت، صدها تریلیون انباشت سرمایه در ایران محسوب می‌شد. سرمایه‌داری وابسته در حالی که درآمد کلان نفت را به حیثی انحصارات امهرالیستی واریز می‌کرد و یا خود به یخما می‌برد، کمترین سهمی به بهره‌روازی ملی نمی‌پرداخت، برعکس با مقررات مالیاتی و ضدگرانفروشی آن را تحت فشار می‌گذاشت. تمایل شدید سرمایه‌داری وابسته داران غلشی به دستیابی به منابع مالی کلان دولتی، یکی از انگیزه‌های شرکت بهره‌روازی ملی در انقلاب بود. چنین بود که نمایندگان سیاسی سرمایه‌داری ملی، بلافاصله پس از دستیابی به حکومت و در اختیار گرفتن اعتبارات مالی و ارزی و نفتی (دولت بازرگان در نخستین ماه‌های پیروزی انقلاب ۵ میلیارد تومان از این محصل به سرمایه‌داری برداشت) بختم انقلاب را اعلام می‌کردند، و به سازش با ارتجاع می‌پرداختند.

سرمایه تجاری

نام سرمایه‌داری ملی در ایران با نام باؤاز پیوند دارد، واقعیت نیز اینست که در زمان شاه، به جز بخشی از واردکنندگان بزرگ کالا در بازار که بخشی از لایحه تجاری سرمایه‌داری بزرگ وابسته را تشکیل می‌دادند، اکثریت مطلق سرمایه‌داری بازارهای تهران و شهرهای بزرگ ایران، به طور عمده با تولید و توزیع داخلی پیوند داشتند، و میدان فعالیت اقتصادی آنان در جریان تسلط انحصارات امهرالیستی بر بازار داخلی ایران، دم به دم تنگ تر می‌شد.

بخش بالایی سرمایه‌داری بازار، یعنی سالهای افزایش درآمد نفت و گسترش بازار داخلی کم و بیش ثروت‌های هنگفت اندوختند. از این رودر سال های پیش از تشدید بحران اجتماعی - اقتصادی سرمایه‌داری وابسته که به سرنگونی شاه انجامید، بازاریان بزرگ کمتر مخالفتی با نظام حاکم از خود نشان می‌دادند. اکثر آنان از نظر مذهبی - و بالطبع سیاسی - مقلد آیت‌الله خوبی و آیت‌الله شریعت‌داری و دیگر مراجع تقلید سازشکار بودند. نماینده آیت‌الله خوبی، حاج باقر خوانساری، امام مسجد حاج عزیزالله در قلب بازار تهران، بخش عمده وجوه شریعه بازار تهران را گرد می‌آورد. این مناسبات اقتصادی پایه روابط سیاسی حسنه بازار با سازمانهای سیاسی - مذهبی حوزه‌های علمیه، از جمله سازمان سیاسی - پلیسی حجتیه بود. بسیاری از بازاریان بزرگ پرداخت سهم امام به آیت‌الله خمینی را نیز فراموش نمی‌کردند تا به شیوه "شریعه سنتی"، هم دنیا و هم آخرت خویش را حفظ کرده باشند!

بخشی از بازاریان که پیوند‌هایی با سرمایه‌داری صنعتی ملی نیز داشتند (حاج بابا - مهدیان - توتونچی - لنگرانی - قندی - لباسچی) از دیرباز با نهضت آزادی و جبهه ملی مربوط بودند.

بخشی از سرمایه‌داری متوسط و کوچک بازار، از آغاز دهه ۴۰، مقلد آیت‌الله خمینی و پیرو خط مشی سیاسی او بودند. بازاریانی که در "هیأت‌های مؤتلفه" که ترور منصور نخست وزیر وقت را سازمان داد شرکت داشتند، سخنگوی این بخش از

جهاد سازندگی در مسلخ ارتجاع

چندی پیش لایحه تبدیل جهاد سازندگی به وزارتخانه از تصویب مجلس گذشت . گفته می - شود به زودی نامه وزارت این وزارتخانه نیز معرفی خواهد شد . به این ترتیب به زودی یکی از مهم ترین نهاد های که در سالهای انقلاب به همت نیروهای انقلابی ساخته شده در دستگاه دولتی ادغام خواهد شد .

برای اینکه اهداف و نتایج واقعی این اقدام حاکمیت ج ۱۰ را بشناسیم ، لازم است نگاهی به سابقه تشکیل جهاد سازندگی و ترکیب نیروهای تشکیل دهنده و نقش آن در تحکیم و گسترش دستاورد های انقلاب بیفکنیم .

چنانکه می دانیم بورژوازی بوروکراتیک ، یکی از ستونهای حکومت ضد مردمی شاه بود . دستگاه اداری عریض و طویل ، بدون تحرک و آمیخته به فساد حکومت ستشاهی ، یکی از عوامل ایجاد نارضایتی مردم بود . پس از انقلاب روشن بود که به کمک چنین دستگاهی نمی توان به بازسازی انقلابی جامعه پرداخت .

پلافاصله پس از انقلاب ، رسیدگی به محرومین روستاها ، تقسیم زمین زمین داران بزرگ میان دهقانان و ارائه خدمات درمانی و عمرانی و فرهنگی و بهداشتی به روستائیان محروم در دستور روز قرار گرفت . نیروهای انقلابی مختلف از توده های و فدائیان خلق (اکثریت) تا مجاهدین خلق و توده مسلمانان انقلابی ، گروه های متعددی در سراسر کشور روستاها را گردند . این گروهها با همیاری مردم و اغلب به کمک یکدیگر ، در اجرای وظایف انقلابی ، از مصادره زمین های مالکین بزرگ تا راهسازی و لوله کشی روستاها و سواد آموزی به روستائیان یاری می رسانند و اغلب آنان را رهبری و سازماندهی می کردند .

حاکمیت ، به زودی فعالیت بخش اعظم این نیروها را به رسمیت شناخت و از گردآوری امکانات همگی آنان نهاد انقلابی جهاد سازندگی شکل گرفت . شکل گیری این نهاد ، فشار و تبخیز و تمسیق و تصفیه جهاد سازندگی از نیروهای انقلابی دیگر اندیش نیز آغاز شد . اکثریت قاطع انقلابیون این فشارها را تحمل می کردند و به مشق خدمت به خلق در جهاد باقی می ماندند . اما تیز پاکسازی های انحصار طلبان و قشربون تنگ نظر تعداد آنها را در جهاد هر روز محدودتر می کرد .

با وجود این جهاد سازندگی همچنان در روستاها نقش انقلابی داشت . توده مسلمانان انقلابی در جهاد سازندگی به ویژه پشتیبان خواست های دهقانان برای اصلاحات ارضی انقلابی بودند . در هر یک از هیأت های هفت نفره تقسیم زمین ۲۴ نفر از جهادگران شرکت داشتند که بنا بر قاعده ، پشتیبانان دهقانان بودند . جهادگران در سمینارهای گوناگون از جمله در سمینارهای اصفهان ، زنجان ، مشهد و

تهران در سال ۶۱ ، خواهان انجام اصلاحات ارضی انقلابی شدند .

با آغاز جنگ امپریالیستی عراق علیه میهن ما ، وظیفه تدارکاتی و پشتیبانی جنگ نیز به جهاد سازندگی واگذار شد و جهاد نقش چشمگیری در این زمینه ایفا کرد .

هنگامی که پیشروی نیروهای ارتجاع آغاز شد ، جهاد سازندگی و هیأت های هفت نفره از آماج های اصلی حملات آنان بودند . عواملی چون آخوندی که کوس رسوائیش در زمینه سوء استفاده مالی در زمان عضویت در شورای مرکزی جهاد در جریان استیضاح وزیر کشور زده شد ، تصفیه دگراندیشان را تشدید کرد و پاکسازی جهاد از مسلمانان انقلابی را نیز بدان افزودند .

۱- از این طریق ارتباط جهادگران با توده روستائیان محدود و کنترل می شود . دولت کنتر بیشتری بر هیأت های هفت نفره تقسیم زمین ک دو نفر از آنان از جهاد سازندگی هستند . اگر قرار بر بقای این هیأت ها باشد - پیدا می کند و امکانات حاکمیت برای اعمال فشار به این هیأت ها و به توده دهقانان انقلابی برای تأمین منافع زمین داران بزرگ افزایش می یابد . در اسلحه وظیفه وزارتخانه جدید به طور عمده انجام کار های راهسازی و ساختمانی است و این امر خود به خود دخالت در امور ارضی را از محدود اختیار جهادگران خارج می کند .

۲- در چهار چوب ضوابط اداری و نظم بوروکراتیک ، با برقراری نظرسنارت اداره



دهقان معقول را جمع آوری می کنند. دستهای بسته او زحمتها کشیده تا از زمین لمری بیرون کشیده. معقول گار او نمی تواند و نباید مال بزرگ مانک ستیگر باشد. (اطراف فریدون شهر)

حراست و انجمن اسلامی و غیره ، می توان بازمانده عناصر انقلابی را شناسایی و آنان را محدود و تصفیه کرد . به کمک این روشهای معمول در ادارات می توان از تجمع مسلمانان انقلابی (که به دنبال پاکسازی از دستگاه های دولتی به جهاد سازندگی روی می آوردند) در این نهاد جلوگیری کرد . و به این ترتیب به تدریج بازمانده نجوهای حق طلبی را در جهاد سرکوب ، و آنرا به ارگان دلخواه زمین داران بزرگ تبدیل کرد .

۳- بخش اعظم اقدامات عمرانی جهاد سازندگی در روستاها ، با ابتکار انقلابی جهادگران و به کمک همیاری داوطلبان روستائیان انجام می گرفت . در بودجه جهاد حقوق کارمندان تنها ۲۵٪ جمع بودجه را تشکیل می داد . در ادارات دولتی این رقم به طور متوسط ۳ برابر جهاد است .

با تبدیل جهاد به وزارتخانه ، از آنجا که فعالیت های جهاد از نظر مالی تابع ضوابط بقیه در صفحه ۱۵

ادامه ببوده جنگ ایران و عراق بسیاری از جهادگران انقلابی را در کام مرگ فرو برد . و از توان مقاومت جهادگران در برابر راست گرایان کاست .

پس از دفن لایحه اصلاحات ارضی در شورای نگهبان بزرگ مالکان ، اینک می بایست بازمانده نجوهای حق طلبانه نیروهای وفادار به آرمان های انقلاب در جهاد سازندگی خاموش شود . و به ویژه ارتباط نزدیک جهادگران انقلابی با توده دهقانان قطع شود . اما این امر به سادگی امکان نداشت . حاکمیت که هنوز

نیازمند عوام فریبی است ، به استفاده از شیوه های محیلانه تری برای پیشبرد مقاصد خویش روی می آورد . به ویژه که بسیاری از وابستگان ارتجاع حاکم که در رده های بالایی جهاد سازندگی خزیده بودند ، از این محل صاحب آلف و الوقی شده اند که نمی بایست از دست برود . از این روست که راه حل تبدیل جهاد سازندگی به وزارتخانه به میان می آید:

اعتراضات کارگران اوج می گیرد

بقیه از صفحه ۴

و این در حالی است که وزیر مشاور و رئیس سازمان برنامه و بودجه، آقای بانکی تورم رسمی را ۲۰٪ اعلام کرده و آنرا قابل قبول دانسته است. البته واضح است که این رقم با واقعیت فاصله بسیاری دارد. کارکنان بانک مرکزی می دانند این ارقام رسمی چگونه تهیه می شوند. در رژیم شاه افرادی در بانک مرکزی متخصص ساختن رقم مناسب تورم بودند. آنها این ارقام را به گونه ای می ساختند که هم منطقی به نظر آید و هم خاطر ملوکانه را نیازارد. این افراد هنوز هم در بانک مرکزی وجود دارند، با این تفاوت که اکنون گزارش خود را به آقای بانکی می دهند. نرخ واقعی تورم را باید در ورای ۴۰٪ جستجو کرد. جالب اینجاست که همین رژیم ج ۱۰ هنگامی که با کارگران روبرو می شود به کلی هرگونه تورم را منکر است.

کمال گنجهای می گوید:

" ما قصد نداریم که دستمزدها را افزایش دهیم. سیاست ما بر اساس ثابت نگاهداشتن قدرت خرید کارگران است."

به حق کارگران می یابند. سردمداران ج ۱۰، هرگاه صحبت از تأمین حداقل معیشت کارگران به میان می آید، چپسره در هم می کشند و ساعت ها در مضرات "رفاه طلبی" سخن می رانند. در حالی که در همین مدت بنا به گفته نماینده نجف آباد در مجلس شورا بیش از ۶۰۰ میلیارد تومان، توسط دولت وارد بخش خصوصی شده است. دولت از تسن دادن به اضافه دستمزد ناچیز کارگران که مولد مهم ترین شرکتهای این کشورند طفره می رود، ولی میلیارد ها تومان به جیب دلان بین المللی اسلحه می ریزد!

خواست اضافه دستمزد کارگران، خواستی است به حق و قانونی. سطح زندگی کارگران لااقل باید حفظ شود و تا زمانی که سیاست های اقتصادی و مالی دولت نتواند تورم را از میان ببرد، باید هر ساله دستمزد کارگران، لااقل با نرخ تورم واقعی افزایش یابد. خطوط برنامه سالم اقتصادی و مالی جهت رهایی از بحران اقتصادی اجتماعی حاکم بر میهن ما را حزب ما

طبقه کارگر با نیروی متشکل خود می تواند به خوبی با ارتجاع و عوامل آن مبارزه کرده و با تجربه اندوزی از مبارزات گذشته، گام های محکمی در راه دستیابی به اهداف خود بردارد.

در برنامه و پیشنهاد های مکرر خود ارائه کرده است که می تواند توسط یک حکومت مترقی، اساس اقتصاد مستقل و ملی ایران را بی ریزی کند. همانگونه که وزیر صنایع در قزوین تأکید کرده است، کارگران در برخی کارخانجات موفق شده اند خواسته به حق اضافه دستمزد و مزایا را به کارفرماها تحمیل کنند. این واقعیت نشان می دهد که طبقه کارگر با نیروی متشکل خود می تواند به خوبی با ارتجاع و عوامل آن مبارزه کرده و با تجربه اندوزی از مبارزات گذشته، گام های محکمی در راه دستیابی به اهداف خود بردارد. آنان دریافتند که با احیاء و ایجاد تشکل های صنفی و مستقل خود - که با یورش سبعمانه ارتجاع و عوامل آن به سازمانهای کارگری و پیمان کردن حقیق کارگران در امر تشکیل نهاد های مستقل، ضربه خورد است - منسجم تر و آگاهانه تر، یارای مقابله با توطئه های رژیم را دارند.

سلما آینده شاهد گسترش و تعمیق هر چه بیشتر مبارزات مطالباتی کارگران در سراسر ایران خواهد بود. آینده نشان خواهد داد که طبقه کارگر ایران با انسجام هر چه بیشتر تشکل های مستقل خود، خواهد توانست گام های مهمی در راه بهر روزی و استقلال مردم ایران بردارد.

استدلال مسئولین وزارت کار بر این پایه است که گویا از طریق تقویت تعاونی های مصرف و مسکن کارگری می توانند مانع افزایش قیمت کالاهای مورد نیاز کارگران شوند. ولی این حرف آنقدر مسخره است که هم کارگران و هم کسانی که این مسئولان جدید را بر مسند وزارت کار نشاندند به خوبی از محتوای عوام فریبانه این سخنان آگاهند. کارگران در این مدت از این گونه وعده ها بسیار شنیده اند و دریافتند سیلاب بیورش کلان سرمایه داران بازار، قوی تر از آن است که بتواند با این گونه حرف های نرم و نازک در مقابل آن قدم علم کرد. به علاوه بر فرض محال، اگر حتی بتواند واقعا تعاونی های کارگری را تقویت کرد و جلوی افزایش قیمت های اجناس تعاونی ها را گرفت، این سوال پیش می آید که آیا کارگران تمام مایحتاج خود را تنها از تعاونی ها تأمین می کنند؟ مگر بخش عظیمی از درآمد کارگران را اجاره خانه و پیش خرید اقساطی آن نمی بپردازند؟ آیا مسئولین جدید وزارت کار، می توانند تمساک کارگران را در ظرف یک سال صاحب خانه کنند؟ ویا بسیاری اقلام دیگر، که قابل دسترسی از طریق تعاونی های کارگری نیست. واقعیت این است که چون مسئولان وزارت کار از مقابله با رشد روز افزون سرمایه داری عاجزانند، تنها راه ممکن را در مقابله با خواسته های



تختی، قهرمان مردم!

۱۷ دی سالروز شهادت جهان پهلوان غلام رضا تختی سمبل جوانمردی، رشادت، انسان دوستی و پایمردی است!

روزی که مطبوعات ساواک زده «خبر خود» کشی "جهان پهلوان تختی"، این ورزشکار محبوب مردم را پخش کردند، هیچ کس این دروغ شاهوار را باور نکرد.

غلامرضا تختی، از زمره ورزشکاران ایرانی بود که جاه، مقام و صله های دربار پهلوی را با مهر مردم میادله نکرد و همواره در صف مردم و برای مردم زیست.

در بار پهلوی و دستگاه عریض و طویل ورزشی اش چون نتوانست جهان پهلوان را به پای بوسی و چابکدستی بکشاند و چون دید روز به روز بر محبوبیت او افزود، می شود، تصمیم به نابودی این راد مرد گرفت. مرگ مرهوز تختی، حتی در آن شرایط مرگبار حقیقتان نیز نتوانست از انتظار مردم پوشیده بماند.

مرگ تختی نه فقط ورزشکاران و علاقمندان به ورزش را متأثر ساخت، بلکه مردم میهن پرست و زحمتکش را در اندوهی عمیق فروبرد. تظاهر این اندوه را می توان در سوگ تختی دید. حتی روزنامه اطلاعات تحت سانسور شدید ساواک، نیز نتوانست از کنار این حقیقت بگذرد:

" عظمت مراسم هفته شادروان تختی و اندوه مردم تا کنون هرگز سابقه نداشته و تجلیلی که از قهرمان ملی گردید، خارج از حد معمول و انتظار بود."

تختی همواره الهام بخش همه ورزشکاران شریف و میهن دوست ایرانی است. خاطره اش گرامی باد!

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

در هفته ای که گذشت:

جنگ، به سود

ارتجاع دو آتشه حاکم برج .۱.

در روزهای اخیر، کنفرانس اسلامی با حضور سران بسیاری از کشورهای اسلامی در مراکش آغاز به کار کرد . محور اصلی گفتگوها در این کنفرانس، مسئله جنگ بین ایران و عراق و بررسی اوضاع خاورمیانه است .

سردمداران ج ۱۰، قبل از شروع کنفرانس، حکم محکومیت آن را صادر کردند . آقای ولایتی در این رابطه می گوید:

" با در نظر گرفتن این موضوع که یکی از مواد مهم دستور کار چهارمین اجلاس سران سازمان کنفرانس اسلامی، رسیدگی به مسئله جنگ ایران و عراق می باشد چگونه می توان از این کنفرانس انتظار داشت که با احساس مسئولیت و بدون غرض موضع منصفانه ای نسبت به جنگ تحمیلی رژیم عراق یا ایران اتخاذ کند " (اطلاعات ۸ دی ۶۲)

این اولین بار نیست که در مجامع بین المللی لزوم پایان دادن به جنگ ایران و عراق مطرح می شود . اما رهبران و سردمداران ج ۱۰ به رقم خواست مردم میهن ما ، همچنان در بوقهای تبلیغاتی خود ، شعار " جنگ، جنگ تا پیروزی " را تکرار می کنند . رهبران ج ۱۰ به خوبی می دانند در سایه ادامه چنین جنگی است که می توانند راه بازگشت امپریالیسم را در میهن ما هموار سازند و تمامی عرصه های اقتصادی - اجتماعی - سیاسی کشور را به جولانگاه بی حریف سرمایه داران بزرگ و کلان زمین داران تبدیل کنند . آنها می دانند که با بهره گیری از اشارات ویرانگر ناشی از ادامه جنگ و استفاده از آن به عنوان حلقه نجات خود، پایه های سرمایه داری ، به ویژه سرمایه داری تجاری را تحکیم می بخشند . ادامه این جنگ خانمانسوز تنها پنهانای است برای تثبیت هر چه بیشتر نظام غارتگر سرمایه داری و در نهایت سرکوب کامل انقلاب که به پهلوی زبان های مالی و جانی روز افزونی برای مردم زحمتکش میسا تمام می شود .

"جهاد"

درواه احیای وابستگی!

در پی فرمان انقلاب برانداز آیت الله خمینی مبنی بر پشتیبانی همه سویه از بورژوازی تجاری و دعوت آنان به ترک تازی در عرصه قانونگزاری و سیاست که در عین حال تمامی مشکلات و نسا - بسامانی های حاکم بر جامعه را در مسئله نحوه

" حمل و نقل کالا " محدود می کرد، کامیون - داران و صاحبان تریلرها و وسایل حمل و نقل ، آمادگی خود را به شرکت در این " جهاد " اعلام کردند و " در جهاد تخلیه کالا " ، نام نوشتند . چهار روزنامه مجاز تهران ، هر روز از این " جهاد " گزارش می دهند .

اطلاعات ۱۰ دی - " حرکت بی وقفه " کامیون ها و تریلرها ، برای تخلیه کالا از بندر - همراه با تصویری گویا با این زیر نویس: " چه مخلصانه و صادقانه بر کتاب آسمانی بوسه می زند و بالیک به امامت ، از دولت خدمت گزار پشتیبانی می - کند . او می رود تا " جبهه های دیگر در میهن اسلامی ، در جهاد تخلیه کالا شرکت نماید " .

کیهان ۱۷ دی - " تعداد کامیون های وارد به بندر عباس ، روزانه ۵۰۰ دستگاه افزایش یافت . تا کنون ۵۲۰۰ دستگاه کامیون به بندر عباس اعزام و بیش از ۷۸ هزار تن از کالا های مورد نیاز مردم بارگیری و به نقاط کشور حمل شده است " .

خوست از نوع کالایی که این " جهادگران " حمل می کنند هم با خبر شویم :

" از مجموع ۱۲۰۰ کامیون ورودی به بندر عباس ، ۴۵۰ دستگاه کامیون گندم ، ۳۵۰ دستگاه کامیون انواع خوراک دام (شامل ذرت - جو و ...) ، ۹۰ کامیون برنج و ۸۰ کامیون کود و ۴۰ کامیون شکر بارگیری می کنند " .

قابل توضیح آنکه ، تمامی اقلام فوق ، با واسطه یا بی واسطه از امپریالیسم آمریکا و نوچکان آن در منطقه از جمله ترکیه و پاکستان خریداری می - شود . (رجوع شود به " راه توده " شماره ۷۵)

اطلاعات ۱۲ دی ، هم سوئی این سیاست را با سیاست رژیم طاغوت به روشنی بازگو کرده است :

" در گذشته استعمار به کمک رژیم طاغوت از یک سو ما را به مصرف زدگی و فساد می کشاند و از سوی دیگر مصارف مورد نیاز شهرها را با کالا های وارداتی از غرب تأمین می کرد " .

اندک تفاوتی که بین این دو سیاست وجود دارد ، همانا اعلام " جهاد " در راه احیای وابستگی است ، در واقع پس از جهاد در راه ادامه جنگ غیر ضرور به سود امپریالیسم ، جهاد در راه باز - گرداندن فتودالها به روستاها ، جهاد در راه بی - سوادی - سرپرست و وابسته عمومی نهضت سواد - آموزی گفته است :

تعدادی بی سوادی با حرکتی سریع رو به رشد است " (کیهان ۷ دی - ، اینک جهاد در راه احیای وابستگی امری تضاد فی نیست ! -

روستائیان،

"یکی از علل فساد اخلاقی"

ناطق نوری ، وزیر کشور در کیهان ۱۰ دی گفته است :

" یکی از علل فساد اخلاقی ، مهاجرت بی - رویه و بی حساب و کتاب روستائیان به شهرهای بزرگ است " .

اینکه سردمداران ج ۱۰ ، گناه نابسامانی ها و ویرانی های اقتصادی - اجتماعی جامعه را به پای مهاجرت روستائیان می نویسند آنان را " عامل " بی آبی ، بی برقی ، بی خانگی ، بی سرکها ، بی بزرگ محرفی می کنند ، امری عادی است که - از جانب آنان - همواره مورد تأکید قرار گرفته است . ولی اینکه آقای ناطق نوری ، به یکباره " کشف کند " که آنها عامل " فساد اخلاقی " هم هستند پدیده تازه ای است که تنها می تواند از کینه های طبقاتی نسبت به محرومان جامعه نشأت گرفته باشد .

برای آقای ناطق نوری - و امثالهم - که مرتباً از این شهر به آن بخش و از این روستا به آن آبادی سفر می کنند تا " نمایندگان " خود را " یا اختیارات نخست وزیر " به مردم بقبولاند و یک قلم به ساکنان پر شمار ۶۵۰۰ روستا پرخاش می کنند که بیش از این توقع رفاه و آبادانی نداشته باشند و آنچنان محکم " بر سرند قدرت " تکیه زده که با پشتیبانی حامیان اقتصادی خود و عوامل آنان در مجلس از زیر مسئولیت پاسخ گوئی به مردم - رد استیضاح وزیر کشور - شانه خالی می کند ، البته بی کاوی علل مهاجرت روستائیان به شهرها فاقد اهمیت است .

ولی آنچه برای آقای نوری و همپالگی هایش " بی اهمیت " جلوه می کند ، برای روستائیان محروم و زحمتکش ما بگه خود " علل " این - مهاجرت را با گوشت و پوست خود لمس کرد ماند و بارها و بارها به شیوه های گوناگون آن ها را به مسئولین امر گوشزد نمود مانده حیاتی و غیر قابل گذشت است .

روزنامه " اطلاعات " - دی - تحت عنوان " شکایت از فتودال روستای داشلی درق " خبری را با مضمون زیر درج کرده است :

" اهالی روستای داشلی درق ، از توابع شهرستان گرمی آذربایجان شرقی ، طی نامه ای به اطلاعات می نویسند: قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ، فتودال معروف منطقه ما با زور سرنیزه و با حمایت عوامل رژیم منفرود گذشته ، زمین های روستای ما را غصب و کشت می کرده تا اینکه پس از پیروزی انقلاب مدتی فراری شد و در حال حاضر دو پاره سر و کله اش پیدا شده و ۲۰ هکتار زمین های جوانه - زده ما را زیر و رو کرده و حدود ۶۰ هکتار دیگر را با کمک همدستان سلطنت طلبش زیر کشت برده است . روستائیان داشلی درق ، در پایان

بقیه در صفحه ۱۳

به این جنگ خانمان سوز پایان دهید!

روح قطب زاده در کالبد آقای رفسنجانی

بقیه از صفحه ۱
 امریالیستی در ابعادی گسترده تر و با شدت هر چه بیشتر به کار گرفته شده است .
 تجربه انقلاب رهائی بخش میهن ما ، آموزش گرانقدری در باره این ترفند امریالیستی برای مردم ، به همراه آورده است . مردم ما هرگز بس فراموش نخواهد کرد که در تاریخچه پرفراز و نشیب انقلاب شکوهمند ما ، در مراحل گوناگون ، تشدید کارزار تبلیغاتی کمونیسم ستیزی و شوروی ستیزی ، همواره پیش درآمد یورش نیروهای ارتجاعی و سازشکار ، برای براندازی و مسخ انقلاب بوده است . مردم ما تجربه قطب زاده و قطب زاده ها را فراموش نخواهند کرد و شاخص اصلی سیاست امریالیستی " قطب زاده نشان " را که همانا کوفتن بر طبل " شوروی ستیزی " و " کمونیسم ستیزی " برای تأمین منافع امریالیسم در راه مسخ یا براندازی انقلاب بوده ، هسرگز از یاد نخواهد برد .

بهای جلب پشتیبانی امریالیسم آمریکا

اما در شرایط جنگ صلیبی امریالیسم جهانی بر علیه بشریت مترقی ، و در شرایط دشوار کنونی انقلاب ما اوجگیری بیش از پیش کسارزار تبلیغاتی - سیاسی ضد توده های و ضد شوروی ، محتوای تازه ای نیز کسب کرده است . در شرایط که امریالیسم جهانی بانگ شوم و ضد بشری خویش را به پشتوانه ارتش های پیش از پیش مجهز و ناوگانها و سلاحهای هسته ای و کسرملا

در هفته ای که گذشت:

بقیه از صفحه ۱۲
 نامشان از مسئولین امر تقاضای رفع شرفودال روستا و احقاق حق خود را دارند .
 به عبارت دیگر ، فنود البهای فراری با کمک پاسداران رژیم " اسلامی " زمین های جوان زده " روستائیان را دوباره شخم می زنند و به این ترتیب حتی حکم شرعی را هم زیر پا می گذارند ، لحکمی که اعلام می کند ، اگر کسی زمینی را غصب کند و بکارد ، غاصب ، بر نیمی از محصول " حق " دارد .
 ناگفته پیداست که این تنها روستائیان " داشلی دوق " نیستند که از اثرات شوم و ویرانگر بازگشت " خان " ها در رنجند . شلقاتی های بی رویه و تحت حمایت پاسداران مسلح و مأمورین انتظامی ج ۱۰ ، به مرصه تمام روستاهائی که " مالک " شان با سلام و صلوات و با حکم حاکم شرع بازگشته اند ، در می نوردند . اما ، با این حال ، روستائیان نیز از مقابله با عاملان تیرمروزی و فقر خود باز نمی ایستند و هر روز با شیوه های جدید تری در میدان این نبرد طبقاتی گام می گذارند . آنها با احکام حکام شرم ، تهدید و زور برق سرنیزه ها و - ۳ پاسداران ، حتی گلوله

هسته ای ، با ظننی تهدید آمیز تر از همیشه سر داده است ، و در شرایطی که ارتجاع حاکم بر ایران ، برای پیشبرد سیاست های ضد خلقی - شوونیستی خویش ، نیاز هر چه بیشتری به جلب پشتیبانی امریالیسم جهانی به سرکردگی امریالیسم آمریکا دارد ، هم آوایی با این دهسان خون آلود از سوی سردمداران ج ۱۰ ، معنای سیاسی ویژه ای نیز پیدا می کند . این هم آوایی ها در واقع پیام رمزی است که به ستاد ارتجاع جهانی مخابره می شود . پیام رمزی با این مضمون :

" دوستان ! ما هم هستیم و آمادگی هر چه بیشتری برای همکاری با شما ، در راستای برآورد منافع شما داریم ! "

آقای هاشمی رفسنجانی ، به دنبال صاحبچه کذایی خویش با مجله کویتی " صوت الخلیج " که طی آن آشکارا خواهان اعلام آمادگی قدرتهای امریالیستی برای فروش سلاح های استراتژیک به ج ۱۰ شده ، هفته گذشته در نماز جمعه تهران از جمله گفت :

" وقتی افسران روس را در افغانستان به قتل می رسانند ، ما شادی می کنیم ! "

مضمون اصلی این سخنان چندان تازه نیست . سردمداران ج ۱۰ بارها این مضمون را در قالب های دیپلماتیک تر بیان کرده اند . اما صراحت تکان دهنده این سخنان در شرایط بسیار حساس بین المللی و داخلی کنونی ، به همان اندازه که تازه است اهمیت سیاسی دارد .

هایی که پیکرشان را به خاک و خون می کشند ، مرعوب نمی شوند .

در آن سوی مرز ، روستاها

به " نور کفر " روشن و این سو ... !؟

کمر شماره ای از روزنامه و مجلات کلیشهای و زیر سانسور ج ۱۰ را می توان یافت که از گزارشات سراسر دروغ و مغرضانه در مورد زندگی اقتصادی - اجتماعی کشور شوراهای اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی سیاه نشده باشد . در این گزارشات از فقر ، کمبود کالاها ، رنجی که مردم از نبود " گندم " می برند و ... صحبت می شود . این سیاست خصومت آمیز نه تنها به منظور همنوایی با جنگ صلیبی شوروی ستیزانه ای است که امریالیسم ، به سرکردگی امریالیسم آمریکا به راه انداخته ، بلکه در جهت توجیه ناسامانی ها و سرپوش گذاشتن بر اقدامات خیانت بار سردمداران ج ۱۰ نیز دنبال می شود . زمامداران ج ۱۰ ، از فرس " خرابی اوضاع " در اتحاد جماهیر شوروی به این نتیجه می رسند ، که وجود " خرابی اوضاع " در کشور ما نیز امری طبیعی است و به این ترتیب ، مردم نباید افسوس خصوصیات " رفاه طلبانه " خود را بکنند ! اما واقعیت چیست ؟! از خلال گفته های نمایندگان مجلس آن را دریابیم :

امروز ارتجاع حاکم بر ج ۱۰ با اصرار و ابرام مکرر در مکر خواستار حسن نظر بیشتر امریالیسم نسبت به خویش است . سردمداران ج ۱۰ در برابر حضور رزمناوهای آمریکایی در دهانه تنگه هرمز و در برابر تهدید هسته ای امریالیسم نسبت به میهن ما ، سکوتی پر معنا پیشه کرده اند . آنان هر روز تردستی خود را در قریانی کردن اصلیل - ترس گردان های انقلابیون ایران پیش پای بازگشت امریالیسم در بوق و کرنا می دهند و در عین حال ، در جهت همکاری اقتصادی ج ۱۰ با هم پیمانان پیشین ایران در پیمان امریالیستی سنتس - و گام برمی دارند . محافل امریالیستی آمریکا که با خوشحالی ناظر رقابت رژیم های ایران و عراق برای جلب پشتیبانی امریالیست ها هستند ، بهای این پشتیبانی را دم به دم افزایش می دهند و رهبران ج ۱۰ نیز گام به گام آمادگی خود را برای پرداخت بهای بیشتر به نمایش می گذارند . چنین می نماید که آنان باکی از آن ندارند که حیاتی ترین منافعی میهن ما را برای پرداخت قیمت پیروزی در جنگ شوونیستی یا عراق ، در معامله سیاسی با امریالیسم جهانی به حراج بگذارند .

حلول روح قطب زاده در کالبد آقای رفسنجانی ، کسی که روزگاری بادها نیراز مستضعفان صحبت می کرد و توهین به اتحاد شوروی را منعی کرد . امروز در نتیجه عوامل گوناگون ، از جمله تأیلات شوونیستی عمیق ، به چویدست ارتجاع برای هماهنگی با جنگ صلیبی امریالیسم جهانی با بشریت مترقی تبدیل شده است ، در شرایط شوم کنونی ، برای مردم ما چنین معنای سیاسی شوم و نگران کننده ای در بر دارد .

" طبق آمار سازمان برنامه و بودجه جهاد سازندگی ، مغان محروم ترین شهرستان استان آذربایجان شرقی است . از دولت که رسیدگی به وضع محرومین را در اولویت قرار داده ، در خواست می کنیم به تذکراتی که می دهد توجه نمایند . مناطق محروم انگوت ، برزند ، موران ، خروسلو فاقد آب آشامیدنی و جاده ارتباطی می باشند . روستای مرزی از دیدن روستای منسور کشور شمالی شدیدا رنج می برند در صورت امکان به دهات مرزی برق داده شود " (کیهان ۱۷ دی) .
 سخنان نخست وزیر فقید ، رجائی که دولت کنونی ج ۱۰ خود را ادامه دهنده " خط " او قلمداد می کند ، در این رابطه نیز به قدر کافی گویاست :
 " در سفری که با برادر سلامتی به منطقه مغان داشتیم با ایشان به حاشیه مرز رفتیم و هر چه در آن سوی مرز بود ، سبزی خرمی و پرتوق کشاورزی ، به ایشان عرض کردم در این فاصله که فقط رودخانه ای قرار دارد ، هیچ عذر و بهانه و توجیهی قابل قبول نیست ، که این طرف مخروبه و لم یزرع باشد آن طرف آنچنان وضع رونق داشته باشد . بهر صورت باید ببینی آنها چه کرده اند و هل را پیدا کنی ... " (مجله زیتون شهریور ۶۰) .
 تنها باید پرسید : در آن سوی مرز ، روستاها به نور " کفر " روشن است و این سو ... !؟

تحولات طبقاتی در جامعه ایران

بقیه از صفحه ۹

بهرزوازی تجاری بودند . بازماندگان فعالین این دوران ، صگراولادی ، عراقی ، آمانی ، پوراستاد ، خاموشی ، شفیع ، پورشهامی و حاج رفیق دست رهبران " خط امام " در بازار محسوب می شده اند .

سرمایه داری ملی در ایران در صنعت نیز کم و بیش ریشه دوانده بود . برخی از واحدهای تولیدی نسبتا بزرگ ، بسیاری از واحدهای تولیدی متوسط در رشته های ریخته گری و فولاد سازی ، نساجی ، صنایع غذایی ، ساخت ماشین های ساده و ابزار یدکی و اکثریت مطلق واحدهای صنعتی کوچک ، اگر چه از نظر تکنولوژی و مواد اولیه کم و بیش به بازار جهانی امپریالیستی وابسته اند ، اما عملکردشان به طور عمده تأمین غارت امپریالیستی نیست . بازاریان قدیمی در میان این کارخانه داران کم نیستند . برای نمونه خاموشی ، رئیس کمیته امور صنی بازار و نماینده کتونی مجلس اخود صاحب کارخانه نساجی و مسئول صاحبان کارخانه نساجی در اطاق بازرگانی و صنایع است .

بسیاری از سرمایه داران ملی و به ویژه بازاریان بزرگ ایران ، از رهگذر سفته بازی در پیرامون بانک های وابسته ثروت می اندوختند . ربا خواری آشکار یا پسا سر پیش های شرمی در بازارهای ایران رواج گسترده داشته است . بازاریانی که صندوق های قرض الحسنه را در اختیار داشتند ، از آنها به مثابه بانسک های کوچکی برای تأمین منافع خویش استفاده می کردند . این بخش از بازاریان ، به کمک این شیوه های مالی ، تلاش داشتند حتی المقدور استقلال خویش را از سرمایه وابسته بانکی حفظ کنند . در نخستین سال های انقلاب ، صندوق های قرض الحسنه از جمله با استفاده از اعتبار دولتی ، رشد غول آسایی کردند و در شرایط ملی شدن بانک ها ، به اهرم های مالی نیرومندی در اختیار سرمایه داران بازاری ، برای کنترل مالی و رهبری صنفی توده بازاریان تبدیل شد .

" صندوق های قرض الحسنه ... پیش از انقلاب می داند چقدر کار کردند و بعد از انقلاب چقدر کار می کنند " (هاشمی رفسنجانی در دفاع از اعتبار نامه خاموشی - جراید) .

مستغلات داران و زمین خواران شهری پیوند های اقتصادی بسیار نزدیکی با بازار و سرمایه داران صنعتی ملی داشتند . خصلت انگلی فعالیت اقتصادی در این رشته ، از طریق این پیوند ها به سراسر فعالیت اقتصادی سرمایه داری ملی تمهید داده می شود .

از زمان اصلاحات ارضی شاه توسعه مناسبات سرمایه داری در کشاورزی ، شمار زمین داران کوچک و متوسط در روستاهای ایران که با شیوه های سرمایه داری بهره ملاکی و نیمه فئودالی املاک خویش را اداره می کردند افزایش یافت . امروز شمار این زمین داران چندین برابر زمین داران بزرگ است و اراضی تحت مالکیت آنان نیز با اراضی بزرگ مالکان بزرگ برابری می کنند . از سوی دیگر این زمین داران متوسط و کوچک ، در قیاس با زمین داران بزرگ وابسته ، از پشتیبانی اقتصادی دولتی و وام های کلان بانک های وابسته کمتر نصیبی می بردند . در حالی که بانک توسعه کشاورزی ، به زمین داران بزرگ اعتبارات و وام های کلان با بهره اندک می داد ، زمین داران متوسط و کوچک برای دریافت وام های کوچک با بهره هنگفت از بانک تعاون کشاورزی مدتها در انتظار می ماندند . بسیاری از این زمین داران نیمه سرمایه دار نیز در کنار سرمایه داران ملی ، افتان و خیزان در انقلاب شرکت کردند . سازمانهای سیاسی سرمایه داری ملی ایران عبارت بوده اند از :

۱- **جبهه ملی** : نماینده بخشی از لایه های بالایی و متوسط سرمایه داری ملی و روشنفکران لیبرال و غرب گرا است که به طور عمده با ساختارهای نوین تولید و توزیع سرمایه داری پیوند دارند . در سمت چپ این جبهه تمایلات ملی و دموکراتیک ترش می یافت و جناح راست آن کمتر مرز شخصی با نمایندگان اصلاح طلب سرمایه داری وابسته به امپریالیسم دارد .

۲- **نهضت آزادی** : ریشه دارترین سازمان لیبرالی ایران است که منافع بخش وسیعی از تولیدکنندگان متوسط و روشنفکران مذهبی و بازاریانی را که با تولید صنعتی نوین نیز پیوند دارند ، نمایندگی می کنند . تسلط گرایش لیبرالی راستگرا بر این سازمان موجب آن شده است که بخشی از روشنفکرانی که تمایلات دموکراتیک و ملی دارند ، از آن جدا شوند و تنها به طور جنبی با آن همکاری کنند .

۳- **مراجع تقلید و مدرسین سازشکار و راستگرای حوزه های علمیه** : اکثریت رهبران سازمان سنتی روحانیت از دیرباز پیوند های اقتصادی گسترده ای با بخش وسیعی از سرمایه داران و زمین داران نیمه فئودال - نیمه بورژوا و اقبال مرفه خرده بهره زوازی ایران داشته اند . اما خط مشی سیاسی این گروه همواره پارتسابق منافع لایه های بالایی سرمایه داران و زمین دارانی بوده است که منافع آنان با منافع

سرمایه داری و زمین داری بزرگ وابسته گره خورده است .

ایدئولوژی و کار پایه سیاسی این گروه همواره ، بیانگر نوعی لیبرالیسم متشخص سنت گرا و محافظه کار و راستگرا بوده است . کمونیسم ستیزی و شوروی ستیزی اف گسیخته ، قسری گری و مقدس مآبی ریاکارانه ، تکفیر گرایشهای دموکراتیک پیگیر روشنفکران مذهبی انقلابی ، از جمله تکفیر دکتر شریعتی به عنوان " وهابگیری " تکفیر مجاهدین خلق تحت عنوان " مارکسیسم اسلامی " و مخالفت و عناد دائمی پیکارجویی روحانین مبارز و توده روشنفکران مذهبی در جامعه " سیاست زدایی مذهب ، شاخص های عمده خط مشی سیاسی حاکم بر سازمان سنتی روحانیت بود است .

رهبران سازشکار و راستگرای روحانیت ، کمترین اعتراف اصولی نسبت به تسلط امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا بر میهن ما نداشتند . مخالف قسری گرانه و زاهد منشانه آنان تنها به نفی کلی فحشا " و بی حجابی و بی بندوبار رایج و بهائی گری محدود می شد . آنان همچنین کمترین مخالفتی نسبت به شخص شاه نداشتند و از نظر سیاسی نیز همواره آماده واسطگسی سازش سیاست داران مخالف با رژیم بودند . آیت الله شریعت داری ، یکی از واسطگسان سازش دراز مدت مهندس بازرگان بل رژیم شاه بود .

" آقای مهندس بازرگان در سال ۴۶ از زندان آزاد شد و مستقیما رنست به دارالتبلیغ شریعت داری و سخنرانی کرد . یعنی درست مقابل نیروهای مقابوم در گری با شاه ایستاد " (کربویی - اطلاعات ۱۷ مهر ۶۱) .

گروهی از آنان پیوند های آشکار با دربار داشتند (آیت الله شریعت داری ، آیت الله خویی ، ناصر مکارم شیرازی ، عضدالمرتبه ، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم نویسنده " فیلسوف نماها " ، نخستین کتاب ضد کمونیستی و ضد توده های در ایران ، برنده جایزه نطنز شد) ، و بخشی به رابطه با دربار تظاهر نمی کردند . اما تلاش فراوان داشتند که مخالفتی با سیاست های حاکم نشان ندهند .

آیت الله مطهری در باره آنان می گفت :

" بازار تکفیر و نسبت بی دینی را به هر صاحب فضیلتی رایج ساختند ، اسلام و به سوی رهیاب نیست و انزوا کشانیدند ، و بازار تظاهر و ریا را رایج کردند " (پیا ، انقلاب - شماره ۶۹) .

و آیت الله خمینی که همواره خواستار " اصلاح " آنان بود می گفت :

" باید افکار آنها را اصلاح کنیم و تکلیف خود را با آن ها معلوم سازیم . چون این ها مانع اصلاحات و نهضت ما هستند و دست ما را بسته اند . با وجود آن ها ، مثل این است که دشمن به شما حمله کرده و یک نفر هم محکم دست های شما را گرفته باشد . این هایی که اسفشان " مقدسین " است ... اگر بخواهید کساری انجام بدهید ... آن ها شمارا در جامعه ضایع می کنند " (حکومت اسلامی - ص ۱۹۶) .

فعالیت سیاسی سازمان " حجتیه " که متما می مراجع تقلید در زمان شاه - به جز آیت الله خمینی که سازمان حجتیبا او نیز تماس گرفته بود (ر ۰) به اعلامیه تعطیل جلسات حجتیه - جراید) - از محل وجوه شرعی به آن کمک مالی می کردند و همراه با اکثریت مدرسین راستگرای حوزه های علمیه از آن پشتیبانی مذهبی و سیاسی به عمل آوردند ، نمونه شاخصی از عملکرد سیاسی این جناح از رهبری سازمان سنتی روحانیت بود . محور های خط مشی سیاسی سازمان حجتیه را فعالین گذشته آن ، با پرده پوشی آشکار ، چنین توصیف کرده اند :

" در بین کسانی که به انجمن کمک مادی می کردند ، چهره هایی را پیدا می کنیم که از این گونه بود ماند ، یعنی متولین ... و انجمن این ها را عیب نمی داند ، یعنی نسبت به سرمایه داری که مثل زالو اموال مردم را مکیده و در شرایط خفیلی مرفه طاقتی زندگی می کند ، حساس نیست " .

" حجتیه نسبت به گروه های غرب زده لیبرال ها و به جریان هایی که تحت تأثیر غرب هستند ، آن حساسیت را نشان نمی دهد . با جریان های راستگرا مبارزه نمی کرد ... " .

" افراد انجمن حجتیه به علت نداشتن این نوع بیشتر غالبا افرادی انقلابی نیستند و در عمل طیفی (هستند) که با مدبریت نزدیک ترند ، سازشکار ترند و بسا خط سازش در کنار هم قرار می گیرند . البته این جا مقصود سازش با آمریکا است . نمی توان گفت که افراد انجمن ، مأمور بیگانگان هستند . ولی در عین حال که می خواهند برای خدا کار کنند ، کاری می کنند که اگر آمریکا می خواست بکند ، باید کلی هزینه نقشه برایش می کشید . ولی این ها به راحتی انجام می دهند . پس ما می توانیم این افراد را به دو گروه تقسیم کنیم . یکی آگاهانه و دیگری نا آگاهانه که در خط آمریکا قدم برمی داشتند " (مهندس طیب - نماینده نائین - صاحب) .

بر این مختصات باید افزود که رهبری سازمان اینها بر مدار انکار ناپذیر از دیر باز جولانگاه مأموران ساواک و سیا بوده است . شیخ حلبی ، رهبر سازمانی حجتیه هرگز ارتباطات خود را با سازمان امنیت شاه انکار نکرد و اسناد گوناگونی که ایجاد این ارتباطات را نشان می داد ، از جمله به وسیله حزب توده ، ایران انتشار یافته بود .

بقیه در صفحه ۱۵

تحولات طبقاتی در جامعه ایران

بقیه از صفحه ۱۴

است . پایگاه طبقاتی و عملکرد سیاسی این جناح از نمایندگان مذهبی - سیاسی سرمایه داری و زمینداری ایران را می توان با جناح ارتجاعی اخوان المسلمین مصر و سوریه ، جناح راست اهل در لبنان و روحانیون مسلمان پشتیبان ضیاء الحق در پاکستان برابری دانست .

حزب توده ایران در افشا رسوا کردن حجتیه و حجتیه گرایان در حاکمیت ج ۱۰۱۰ نقش اساسی داشت .

۴- حزب خلق مسلمان : دسته بندی جناحی از روحانیت راستگرا ، به رهبری شریعتمداری بود که بازاریان بزرگ آذربایجان از آن حمایت مالی می کردند و مهره های نفوذی امپریالیسم (مقدم مراغه ای ها) در آن فعال بودند .

۵- گروه بنی صدر : نظریات ایدئولوژیک و خطی مشی سیاسی گروه بنی صدر (بنی صدر - سلطانیان - غضنفر پور - نویری - جعفری) که در دوران ریاست جمهوری بنی صدر سازمان سیاسی " دفاتر هماهنگی مردم با رئیس جمهور " را به وجود آوردند و نقش سیاسی ویژه ای ایفا کردند ، بیانگر نوعی لیبرالیسم آمیخته به گرایشهای اصلاح طلبانه است . وجوه مشترک ایدئولوژیک و سیاسی گروه بنی صدر با نهضت آزادی فراوان است . این گروه نماینده لایه های میانه بورژوازی تجاری و بسه ویژه سرمایه داری صنعتی متوسط و کوچک و بخش بزرگی از کارمندان و روشنفکران لیبرال بود .

۶- گروه مدافع سرمایه داری و زمینداری در میان پیروان آیت الله خمینی : از زمان آغاز مبارزه ضد سلطنتی و ضد امپریالیستی آیت الله خمینی ، در میان پیروان ناهمگون او ، دو گروه نیرومند مدافع " مالکیت ماحدود مشروع " و از جمله مالکیت بزرگ نفوذ آلی و سرمایه داری وجود داشت . گروه نخست از روحانیون بزرگی چون آیت الله ربانی شیرازی - آیت الله مهدوی کنی - آیت الله قاضی - آیت الله حائری شیرازی و آیت الله انبوی تشکیل می شد . گروه دوم سیاستمداران بازاری بازمایند از هیأت های مؤظفه عسکراولادی ، امانی ، خاموشی ، پوراستاد ، رفیعی - دوست ... بودند که طی سالهای طولانی ، منبج ارتزاق مالی مهمی برای شخصیت ها و سازمان های مذهبی - سیاسی طرفدار آیت الله خمینی بودند . این گروه که پس از پیروزی انقلاب به سرعت یکدیگر را یافتند و پیوند های محکم اقتصادی و سیاسی برقرار کردند ، نماینده بخشی از سرمایه داران متوسط و کوچک بازاری و زمین داران نیمه فئودال - نیمه بورژوا بودند .

در جریان نخستین دو ساله انقلاب سیاستمداران بازاری که همگی در حزب ج ۱۰ گرد آمده بودند در رأس حساس ترین دستگاه های اقتصادی دولتی و نیمه - دولتی قرار گرفتند ، و با استفاده از امکانات انحصاری دولتی و افسر سوداگاری ، هم خود ثروت انبوه انباشتند و هم از طریق " کمیته امور صنایع " بازار ، تسوده بازاریان را تحت رهبری خویش سازمان دادند ، تا آنجا که در آستانه سرنگونی بنی صدر ، سیاستمداران بازاری پیرو آیت الله خمینی که روزگاری دلال نخود و لوبیا و فروشنده قراضه آهن بودند ، کلان سرمایه دارانی بودند که رهبری اقتصادی و صنایع

و سیاسی بازار را به عهده داشتند (ر . ک .) دفاعیات خاموشی در مجلس (جراید) پس از سرنگونی بنی صدر این گروه ، که با تک چهره های چون توکل و پیرویش تکمیل می شد ، نده با واسطه آیت الله مهدوی کنی ، با مراجع تقلید و مدرسین حوزه های علمیه ائتلاف کردند ، و همراه با فعالین و توابعین حجتیه ، جناح ارتجاعی نیرومند حاکمیت را بوجود آوردند .

نقش بورژوازی ملی در انقلاب بهمن

در گزارش هیأت سیاسی به شانزدهمین پنلوم کمیته مرکزی حزب توده ایران آمده است :

" مسلم است که سرمایه داری لیبرال ، که تا کنون با جنبش همراه بوده ، می کوشد جنبش را در چهار چوب منافع محدود طبقاتی خود نگاه دارد ، و جنبه های خلقی و مردمی آن را تضعیف نماید . تجربه همه انقلاب ها نشان داده است که با گسترش جنبش انقلابی در جهت خواست های طبقات و قشرهای محروم جامعه ، این سرمایه داری لیبرال حاضر شده است از انقلاب رو برگرداند و با یاقیمانده نیروهای ضد انقلاب سازش کند و آن را برای سرکوب جنبش خلق زحمتکشان به کار اندازد . باید انتظار داشت که در درون جنبش انقلابی مهبین ما هم همین پدیده ها رشد کند " (استاد و اعلامیه های حزب توده ایران - ص ۶۲)

این نظر را چنانکه تجربه نشان داد ، می توان به سراسر طیف نمایندگان سرمایه داری ملی ایران تعمیم داد . نمایندگان سیاسی سرمایه داری ملی ایران ، به دو فراکسیون بزرگ لیبرال های نوگرا (جبهه ملی - نهضت آزادی - گروه بنی - صدر) و لیبرال های سنت گرا و محافظه کار و پیرو " اسلام فقهاتی " (مراجع و روحانیون راستگرای سازشکار - لیبرالهای مشرع پیرو آیت الله خمینی) تقسیم می شدند . اختلافات میان آنان تنها اختلافات پیشینی نبود ، پایه طبقاتی نیز داشت . برای نمونه محافظه کاران سنت گرای پیرو آیت الله خمینی ، برخی نشانه های رادیکالیسم لایه های فرو دست بورژوازی ملی را نیز همراه داشتند . اما در خطوط اساسی ، کار پایه و خط مشی سیاسی نمایندگان هر دو فراکسیون ، همگونی بسیار وجود داشت . این گروه ها به تناسب زوروش و گسترش انقلاب ، یکا یک به قدرت رسیدند ، و پس از انقضا منافع به راست چرخیدند و پس همکاری متحدان فراکسیونی خویش ، حکم به توقف بازگشت انقلاب و سازش با امپریالیسم و ارتجاع دادند .

ادامه دارد

جهاد سازندگی در مسلخ ارتجاع

بقیه از صفحه ۱۰

دولتی می شود ، جهاد ناگزیر خواهد بود . بسیاری انجام اقدامات عمرانی به روشهای بوروکراتیک ، مزایده و مقاطعه روی بیاورد . بدینسان جهاد سازندگی ، مگام در جاد های خواهد گذشت که در انتهای آن " وزارت تعاون و امور روستائوسی " آریامهری واقع است . به عبارت دیگر در این صورت جهاد نهضت داری خواهد شد که برای عمران روستا ها به شیوه سرمایه داری وابسته به کار خواهد آمد و نیروی محرکه آن ، نه نیروی سازنده و اوطن طلبانه انقلابیون بلکه انگیزه های سودجویانه و غارتگرانه مقاطعه کاران خرد و کلانی خواهد بود که در سالهای اخیر در ج ۱۰ جان تازه ای گرفتند .

۴- چنین شیوه هایی نیز به تبدیل جهاد گران هنوز انقلابی به عوامل پشت میز نشین مقاطعه کاران ، کمک خواهد کرد . طرح های برنامه ریزی شده از بالا با کمک مقاطعه کاران پیاده

خواهد شد و جهادگران سابق وظیفهای جز پشت میز نشینی و تنظیم اجرایی طرح و جسابرسی و پرداخت هزینه قراردادها را نخواهند داشت . لذا ارتباط آنان با توده دهقانان به تدریج خصلت اداری و بوروکراتیک پیدا می کند و آنان به عنوان مهره هایی در دست سرمایه داران مقاطعه کار در خواهند آمد .

سرنوشت آسف بار جهاد سازندگی را چون هر نهاد دیگری جدا از سرنوشت انقلاب ایران بررسی و ارزیابی کرد . حاکمیت ج ۱۰ که به ورطه خیانت به انقلاب در غلطید و کمر همت به خدمت به امپریالیسم و سرمایه داران و زمین داران بزرگ بسته است ، نیازمند آنست که دستگاه اداری مناسب اهداف خود را نیز باز سازی کند . تبدیل نهاد جهاد سازندگی به نسخه دوم وزارت تعاون و امور روستائی ، گام دیگری در این راستاست .

نامه خوانندگان

رفیق گرامی منوچهر :

نامه شما به دست ما رسید .

از اینکه شماره ۶۶ راه توده " که در خیابان یافته ایم موجب ارتباط شما با ما شده است ، خوش - حالیم . کوشش خواهیم کرد از راهی که پیشنهاد کرد هاید نشریه را مستقیما به دستتان برسانیم . ما با شما موافقیم . نبرد ما توده های ها که رشه در خواست و نیازهای مردم دارد ، همچنان ادامه دارد . باید با توجه به شرایط حاکم ، مناسب ترین راه در جهت روشننگری زحمتکشان ، کمک به سازماندهی آنها و مقاومتشان در مقابل سیاست های ضد مردمی و انقلاب و ایران برانداز حاکمیت ارتجاعی باز یافت و هموار ساخت .

برای تان آرزوی موفقیت و توان رزمجویانه بیشتر داریم .



پیرامون دیدار نخست وزیر جمهوری خلق چین از ایالت متحده آمریکا

هفته گذشته ، نخست وزیر جمهوری خلق چین پس از گفتگوهای خود با رونالد ریگان و دیگر رهبران ایالات متحده ، آمریکا ، با بنگاه شویزیونی سی - ان - ان مصاحبه‌ای داشت . در این مصاحبه از چاو زیان در باره مناسبات چین و آمریکا ، مسائل سیاست داخلی و خارجی چین و همچنین برخی مسائل بین‌المللی پرسش‌هایی شد . او گفت نظریات جمهوری سوسیالیستی چین و ایالات متحده آمریکا در مورد کامپوچیا ، افغانستان و ویتنام یکسان است اما در مسائل دیگر با نظری انتقادی به سیاست آمریکایی نگرد . نخست وزیر چین از جمله از "جهان سیم" یاد کرد و گفت که باید "به حقوق ملی آنها احترام گذاشته شود". در مورد سیاست آمریکا در خاور نزدیک و آمریکای مرکزی هم ، نخست وزیر چین گفت میان ما اختلاف نظرهایی وجود دارد . اما من فکر می - کنم لازم نیست جزئیات تشریح شود . ما با اشغال گرنا د ا موافق نیستیم و فکر می‌کنیم ارتش

آمریکا باید از این جزیره بیرون رود تا مردم آنجا به طور مستقل و بدون فشار از خارج مسائل خود را حل کنند .

نخست وزیر چین در مصاحبه خود گفت که طی دیدار با نمایندگان کنگره آمریکا در مورد ممنوع بودن صادرات " به کشورهای کمونیستی " صحبتی نکرده ، ولی توجه آنان را به این نکته جلب نموده است که هنوز چین مانند گذشته به عنوان یک دولت دشمن ایالات متحده ارزیابی می‌شود .

در پاسخ به این پرسش که جای چین در مناسبات با آمریکا و اتحاد شوروی در کجاست ، نخست وزیر چین گفت : چین با آمریکا نظریاتی یکسان یا مشابه در بسیاری مسائل دارد . در عین حال مسائلی هم هست که در آنها اختلاف نظر داریم . در چنین شرایطی برقراری همکاری همه جانبه ممکن نیست . ولی همانطور که بارها گفتیم سیاست ما دوری یکسان از دو طرف نیست .

موريس پيشپ قرباني آدمکشان سيا

روزنامه هندی " نیو ویو " ضمن تفسیری پیرامون قتل موريس پيشپ ، نخست وزير گرنادا می‌نویسد : از منابع معتبر کسب اطلاع شد که موريس پيشپ به دست سفاس سنت پل رئیس‌گارد و محافظت نخست وزیر به قتل رسیده که ما مور سيا بوده است . هنگامی که کوشید ه اند قاتل را

دستگیر کنند او مسلحانه مقاومت کرده و مطالب گفته شاهدان عینی بر اثر تیراندازی متقابلاً کشته شده است . سپس در خانه او دستگیر رمز کردن اطلاعات ، فرستنده قابل حمل و هم چنین داروها و وسایل تسکین اعصاب به دست آمد . هنگام تشریح جسد موريس پيشپ در معدنه او مواد شیمیایی کشف شد که می توانسته هنجس به مرگ تدریجی شود . این امر پزشکان را به این نتیجه رسانید که توسط کنندگان به وسایل گوناگون و از جمله از راه مفلوظ کردن با غذا به موريس پيشپ مواد سمی می‌خوراند مانت .

تصویب قانون کار انقلابی در افغانستان

در جمهوری دیمکراتیک افغانستان ، یک سلسله قوانین از جمله قانون کار به تصویب رسید . بر اساس مفاد مرقی این قانون دولت صرف نظر از تعلق ملی ، سن و سال و جنسیت شهروندان خود ، برای تمامی کارگران حق کار تضمین می‌کند .

کمک مالی به حزب سوده ایران ، یک وظیفه انقلابی است!

رقای هوادار حزب سوده ایران در گوتینگن هزینه جاب این شماره "راه توده" را تأمین کردند

۵۰۰ مارک	یعقوب
۳۰۰ دلار	عربستان سعودی
۷۰ مارک	رفیق شماره ۱۸ کمک مالی شما رسید .
۱۰۰۰ مارک	رفیق جدید
100 DM	دکتر س از آلمان فدرال
	یک رفیق فدائی از فرانسه یک گردنبد الله
	Moni

RAHE TUDEH
No. 76
Friday, 20. Jan 84
Address: Winfried Schwarz
Markgrafenstr. 13
6000 Frankfurt 90

Prices:	England 30	P.
West-Germany	Belgium 22	Fr.
1 DM	Italy 600	L.
France 3	Fr. U.S.A. 50	Cts.
Austria 8	Sch. Sweden 3	Skr.

بیانیه مشترک سازمانهای چپ فلسطین درباره رویدادهای اخیر تریپولی

به دلیل وضعیت پخایت خطرناکی که در نتیجه درگیری مسلحانه در شمال لبنان و بمباران اردوگاههای فلسطینی های پناهنده به وجود آمده در ششم نوامبر ۱۹۸۳ ، جلسه مشترکی از رهبران جبهه خلق برای رهایی فلسطین ، جبهه دیمکراتیک برای آزادی فلسطین ، جبهه رهایی بخش فلسطین و حزب کمونیست فلسطین در دمشق تشکیل شد که به نتایج زیرین ناعقل آمده است :

۱- سازمانهای مذکور درگیری های مسلحانه و بمباران اردوگاههای فلسطینی را به عنوان جنایتی بر مردم فلسطین و لبنان تلقی کرده که در نتیجه ، یکپارچگی سازمان آزادی بخش فلسطین و انقلاب را تهدید می‌کند ، به شدت محکوم می‌کنند . این رویدادها در خدمت اهداف دشمنان خلق ، امپریالیسم صهیونیست است که سودای نابودی دستاورد های مبارزاتی ما و از هم پاشیدگی سازمان آزاد بخش فلسطین را در سر می‌پروراند .

۲- سازمانهای مذکور خواهان آنند که تمامی زد و خورد ها ، بمباران اردوگاههای فلسطینی و نیروهای ملی لبنان در شهر تریپولی فوراً متوقف شود . تنها بدین طریق بازگشت به زندگی روزمره که در نتیجه این درگیری نابود

کننده قربانیان بی شماری را به کام خویشتن بلعیده است ، میسر شود .

۳- درگیری خونین اخیر در زمانی صورت می‌پذیرد که تهدید آمریکا و حملات اسرائیل علیه تمامی نیروهای ملی ، لبنان ، فلسطین و سوریه به اوج خود می‌رسد و این خود انگیزهای است برای تدارک خفونت وسیع تنیه نیروهای ملی . این درگیری در زمانی شکل می‌گیرد که قیامهای خلق ما در سرزمین های اشغالی شدت می‌گیرد . علی‌رغم جویانهای آشکاری که در توجیه این درگیری مسلحانه کوشش می‌ورزند ، این پدیده تنها به اهداف دشمنان ما کمک خواهد کرد . گذشته از نتیجه حاصله این درگیری مسلحانه که به نفع کدام طرف درگیری تمام شود ، یقینانه تنها به جل اختلاف سیاسی در سازمان آزاد بخش فلسطین منجر نخواهد شد ، بلکه یکپارچگی آن را نیز از هم می‌گسلد .

۴- ما از تمامی نیروهای میهن پرست - مرقی عرب و دیگر نیروهایی که با مبارزه خلق فلسطین همبستگی نشان می‌دهند ، می‌طلبیم تمامی نیرویشان را در جهت متوقف ساختن این جنایت و برای یکپارچگی سازمان آزادی بخش فلسطین بر اساس دستاوردهای مصوبه شورای فلسطین تسلطین تحکیم بخشند .

